

# مروری بر دست نوشته‌های شهید حسن باقری

به اهتمام گروه پژوهش فصلنامه

**اشاره:** یکی از مهمترین پیامدهای جنگ تحمیلی، معرفی نخبگان نظامی جدید و تربیت نسل جدیدی از فرماندهان بود. یکی از این افراد که در مدت کوتاهی توانست در عرصه فرماندهی علی جنگ، وظایف خطیری را انجام دهد، شهید حسن باقری بود. ثمره حضور این شهید بزرگوار را می‌توان در جای‌جای عملیات‌های دوره آزادسازی مشاهده کرد. با وجود اینکه اسناد و گزارش‌های متعددی از شهید باقری در دست است، اما یکی از مهمترین اسنادی که از وی به یادگار مانده، دفترچه یادداشت‌های اوست. بنابه اظهارات بسیاری از دوستان و هم‌قطاران شهید باقری وی در نوشتن یادداشت‌های روزانه فرد بسیار منظمی بود. از این رو، دفترچه یادداشت‌های ایشان حاوی مطالب ارزنده و منحصر به فردی است که ممکن است نظایر آن در جای دیگری ثبت نشده باشد. مطالب دفترچه عمدتاً به شکل موضوعی تدوین شده و شهید باقری تلاش کرده هر موضوعی را به بهترین وجه، تشریح نماید. فصلنامه نگین ایران در این شماره در راستای معرفی هرچه بیشتر شهید باقری بخش عمده‌ای از دفترچه یادداشت‌های روزانه وی را درج می‌نماید. در جهت امانتداری و خودداری از هرگونه دخل و تصرف، سیر موضوعی مطالب دفترچه دقیقاً به همان صورت که در نسخه اصلی بوده، درج شده است؛ تنها در برخی قسمتها که مطالب به لحاظ آیین نگارش، مشکل داشته، ویرایش مختصری صورت گرفته است. انشاءالله همه ما ادامه دهندگان راه شهیدابا باشیم.

برخوردار نبود و درگیر اختلافات داخلی بود. این کار در تثبیت رژیم بغداد نیز مؤثر بود، از اینرو صدام این کار را به ارتش خودش واگذار کرد. با توجه به عدم آمادگی و مشکلات داخلی - که نه نیرو و نه موضعی در مرز وجود داشت - ارتش عراق با توجه به طرحهایی که قبلاً تهیه کرده بود و نظر به اینکه در مرزها هیچگونه کنترلی وجود نداشت، افسران عراقی حتی تا پل نادری با لباس مبدل برای شناسایی آمده بودند. با چنین امکاناتی، عراق حمله نظامی سراسری خود را به پشتوانه نیروی هوایی‌اش شروع کرد. اگرچه این اتفاق در باور هیچکس نمی‌گنجید ولی همه به یقین رسیدند که موضوع جدی است، البته در زمینه پاسخگویی به این تهاجم در اینجا، کاری به عملکرد بنی صدر ندارم.

**موضع سیاسی حزب بعث و عکس‌العمل‌های لازم**  
لازم به یادآوری است که ارتش صدام یک ارتش کلاسیک و منظم است که اتکاء آن بیشتر به نیروی زرهی است. نکته قابل توجه این است که در ارتش عراق کاملاً سیستم فرماندهی حاکم می‌باشد و به نظر من این ارتش از سلسله مراتب خوبی برخوردار است. همچنین به لحاظ آموزش نیز، به خصوص در رسته زرهی، اعم از تیراندازی و مانور کلی، از آموزش خوبی برخوردار می‌باشد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و شکست توطئه‌های اولیه امریکا، خطر صدور این انقلاب به کشورهای همسایه مطرح شد و با این وسوسه، صدام را تحریک کردند برای پیشگیری از صدور این انقلاب، به ایران حمله کند. به خصوص که ارتش ایران نیز از آمادگی لازم

کارایی ارتش و به خصوص فرماندهان آنها را زیر سؤال برد. صدام با اتکا به نیروی پیاده نامنظم و پشتیبانی زرهی و تثبیت زرهی خود، وارد معرکه شد و تصمیم گرفت با آماده کردن نیروی شبه نظامی جیش الشعبی، به پیروزیهای نظیر پیروزیهای ایران دست یابد. اولین اثر و عمل این روش حمله به جزایه بود که خود صدام نیز به همراه شنشلی برای تحریک نیروها به پادگان شیب و جفیر برای سخنرانی برای تیپها آمد تا بتواند این افراد را به جنگ ترغیب کند، اما به لطف خداوند متعال و مقاومتی که توسط رزمندگان اسلام در جزایه صورت گرفت، هر چند مآشهادی زیادی نیز در این منطقه تقدیم اسلام کردیم اما در عوض تلفات زیادی نیز به ارتش عراق وارد نمودیم.

به نظر می رسد صدام فکر می کرد که با وارد شدن خودش به صحنه، بسیاری از مسائل حل خواهد شد ولی تجربه جزایه این موضوع را منتفی نمود. این موضوع روشن است که جزایه خارج از یک قواره کلاسیک نظامی بود. پس از آن آمادگی بیشتر نیروهای اسلام برای حمله به منطقه دزفول و شوش مطرح شد. اطلاعات عراق در این مورد کافی بود و عکس العمل آن برای جلوگیری از این عملیات، اجرای یک طرح ناچاری تک به مواضع ما بود که در منطقه قرارگاه فجر و مقداری در قرارگاه فتح انجام شد. این طرح، آمیزه ای از برداشتهای سیاسی و اقدامات فرماندهان نظامی بود و هر چند تلفاتی برای عراق در برداشت ولی شاید تنها کاری بود که می توانست انجام دهد.

با لطف خداوند متعال عملیات فتح المبین پیروز شد و

با پیروزیهایی که ارتش عراق به دست آورد چند موضوع به باور صدام و دیگران تبدیل شد:

(۱) برای ایران می توان مسئله ایجاد کرد. حتی در سوسنگرد، فرماندار و شهردار را از عربستانها تعیین کردند؛

(۲) اتکا به ارتش عراق به عنوان رکن قابل اطمینان؛

(۳) مطرح شدن صدام به عنوان یک قدرت عربی در منطقه، که توانست وامها و تأییدات دیپلماسی زیادی بگیرد.

با طولانی شدن جنگ و عوض شدن شیوه مقابله نیروهای اسلام، سختیهای جنگ و فقدان انگیزه برای جنگ در نزد ارتش عراق، کم کم آن احساس پیروزی برای آنها از بین رفت و حملات نیروهای اسلام نیز ادامه پیدا کرد و با سفارشات امام امت در مورد جنگ - به عنوان اصلی ترین موضوع انقلاب - حملات، گسترده تر شد و ضربه اصلی در مهرماه ۱۳۶۰ در آبادان، صورت جنگ را عوض کرد.

صدام که شکست مهمی در آن مقطع از جنگ خورده بود، توانست با توجیهات نظامی و غیره که این شکست یک اشتباه نظامی بوده و ما نباید در شرق کارون باقی می ماندیم و به صورت اتفاقی، ایران به این پیروزی رسیده است، این شکست را توجیه کند. به خصوص که بین حمله آبادان و بستان دو ماه فاصله وجود داشت. حمله بستان ضربه دومی بود که موقعیت صدام را به لرزه انداخت و حتی مجبور شد سریل باقیمانده شمال نisan را با حدود ۷ پیل تخلیه کند. صدام این قضیه را اینگونه توجیه کرد که ایرانیها با چند صد هزار نفر به ما حمله کرده اند و حتی یک تعداد از نفراتشان را بدون اسلحه به جبهه فرستاده اند ولی این دو شکست در نزد صدام



شهید باقری:

**با طولانی شدن جنگ و**

**عوض شدن شیوه مقابله نیروهای اسلام، سختیهای جنگ و**

**فقدان انگیزه برای جنگ در نزد ارتش عراق،**

**کم کم آن احساس پیروزی برای آنها از بین رفت**

**و حملات نیروهای اسلام نیز**

**ادامه پیدا کرد**

تخلیه کنیم ولی چه تضمینی وجود دارد که در صورت عقب نشینی ما، ایران به عراق حمله نکند. در سخنان صدام ضعف زیادی مشهود بود و با واقعیتها سخن می گفت. وی در ادامه اظهار داشت که کشورهای پیروز جنگ جهانی دوم نیز هزاران نفر اسیر داده اند و به این دلیل که ما دفاع کننده بودیم و نمی توانستیم همیشه آماده باشیم و همه شکافها را بپوشانیم؛ همچنین، ایرانیها خود را برای این حمله آماده کرده بودند و نیروهای ما داوطلب بودند و از کارآیی کافی برخوردار نبودند لذا اسیر شدند و بعد هم شعار می دهد که «دیگر صدام آن صدامی نیست که در کاخ ریاست جمهوری بنشیند بلکه می آید و در مرز می جنگد.»

از مجموعه این صحبتها می توان چنین نتیجه گرفت که صدام نیز، پس از طی مراحلی مورد سؤال واقع شده و به تعبیر دیگر، امریکا صحنه نمایشنامه بختیار و مجلس را تکرار کرده تا اگر قرار شد صدام کنار گذاشته شود قضیه خیلی هم غیر منتظره نباشد.

۳) نخست به نظر می رسد عقب نشینی از جبهه جزایه بحث عمده ای باشد، اما بنابر اطلاعات واصله، این عقب نشینی عمدتاً از سوی شمال جبهه بود، که هیچ تأمینی برای عراق نداشته، لذا انگیزه اصلی صرفه جویی در نیرو بوده است. دشمن جزایه را تخلیه کرده و خود را به پشت جاده شنی کشانده است.

۴) موقعیت فعلی دشمن: از آنجا که دشمن در غرب کارون و جنوب کرخه نور به راهکار عمده ما برای ادامه عملیات پی برده، سعی در حفظ خط کرخه نور دارد؛ از اینرو نیروهای تقویتی و احتیاطهایی را در مرکزیت جفیر مستقر نموده که استعداد آنها بیش از دو تیپ زرهی می باشد. از سوی دیگر نیز، به مسدود کردن غرب سلیمانیه اقدام نموده و یک راه

ضربه مهمی با توجه به زمان عملیات به ارتش عراق وارد شد. اسارت بیش از پانزده هزار نفر نظامی، به خصوص اسیر شدن یک ژنرال و چند فرمانده تیپ پیاده و زرهی و افسران ارشد از جمله نتایج مهم این عملیات بود.

از لحاظ تبلیغاتی نیز روی این موضوع کار شد و در رسانه های امریکایی پخش شد. در کنار این موضوع، تحکیم روابط با چند کشور عربی که وابستگی کمتری داشتند ادامه یافت. پس از اطمینان سوریه از ایران به عنوان یک کشور هم پیمان قابل اتکا و قدرتمند (ولو به مقیاسهای مادی آنها) این کشور حاضر شد لوله نفت عراق را قطع کند و ایران نیز فرار شد نفت سوریه را تأمین نماید. این موضوع شکست دزفول را برای صدام تشدید کرد. نتیجه آن، این بود که صدام توسط مجلس الوطنی مورد سؤال قرار گیرد و نمایندگان علیرغم وابستگی شان مجبور شدند، از صدام در مورد قطع نفت عراق از مسیر سوریه و شکست دزفول توضیح بخواهند. صدام در حدود ۱۳۶۷/۲۳ در مجلس شورای عراق به همراه برزان (برادرش) و یک نفر دیگر حاضر شد و با نقشه ای که به دیوار چسبانده بودند درباره این دو مورد توضیح داد. درباره سوریه به تشریح سابقه حزب بعث پرداخت و در مورد جنگ با ایران نیز، باز هم به گذشته برگشت و اعلام کرد که قصد جنگ نداشته بلکه ایران جنگ افروزی کرده و او فقط برای مقابله و جلوگیری از کوبیده شدن شهرهای مرزی عراق و حتی اشغال عراق، دست به پاسخگویی زده و در این مورد پیش از جنگ یادداشتهایی را به ایران ارسال کرده، اما مقامات ایران توجهی بدان نکرده اند و حتی عراق در محورهایی به ایران حمله کرده که اگر خالی باشند ایران نیز از همان مسیرها به عراق حمله خواهد کرد مانند قصر شیرین - عین خوش، جزایه، خر مشهر. وی گفت: ما حاضریم همین الان نیز ایران را

پاتک در شمال آن یعنی جنوب مشارع ایجاد کرده است. همچنین تقویت‌هایی در شمال عرایض انجام داده و یک گوشه بین سدبند و جاده آسفالت ایجاد نموده است. علیرغم این، اقدامات سیاسی هیئتهای صلح نیز با سرعت و شدت بیشتری در جریان است. مراجعه سکوت‌توره و شطی با چند نفر دیگر در دو روز پیاپی و اعلام صدام مبنی بر قبول عقب‌نشینی در صورت تضمین ایران بر عدم دنبال نکردن نیروهای عراقی از این جمله‌اند.

راه کار دومی که می‌توان مطرح کرد این است که چون دشمن در منطقه قرارگاه قدس، فقط جناح جنوبی دارد و همین یک جناح را دارد، پیشنهاد می‌شود، قرارگاه قدس با دو سوم نیروی خود عملیات را از این قسمت ادامه دهد و قرارگاه فتح نیز سرپل را حفظ کند و احتمالاً جناح چپ قدس را تأمین کند و اگر بتواند بعد از آن تا طلایه پیش برود و عقبه دشمن را ببندد.

### طرح ریزی عملیات بیت المقدس

ادامه جلسه مشترک: ۱۳۶۰/۱۳۰

**سرهنگ شیرازی:** روز ارتش را یادآوری کرد و بعد گفت: در رابطه با عملیات، دور راه حل عمده وجود داشت یکی در بالا و دیگری در پایین، که در راه حل بالا انهدام عمده قوای دشمن انجام خواهد شد و چیزی در پایین نخواهد ماند و مامی توانیم با سرعت پیشروی کنیم. راه حل دوم، بستن عقبه دشمن است. نیروی زمینی به این نتیجه رسیده که باید برای بستن عقبه دشمن تلاشی صورت گیرد به این صورت که: در مرحله اول: سرپل قرارگاه نصر و فتح تا جاده آسفالته، (قرارگاه قدس کاری انجام نمی‌دهد)، در مرحله دوم: حرکت قرارگاه نصر به سمت جنوب برای تأمین خرمشهر و حرکت قرارگاه فتح به

عنوان جناح راست قرارگاه نصر، به طرف مرز خواهد بود. قرارگاه قدس نیز در خطوط اولیه عمل می‌کند.

پس از اینکه خرمشهر تأمین شد و قرارگاه قدس دشمن را درگیر کرد، قرارگاههای نصر و فتح به صورت همگام حرکت را در جناح شمالی شط العرب ادامه خواهند داد.

**برادر محسن:** روز ارتش را تبریک گفت و مسئله وحدت عمل سپاه و ارتش را عنوان نمود و گفت امام در پیامشان فرمودند هم رأی باشید و همین که تدبیر برادرمان شیرازی با ما یکی می‌باشد اولین آیت پیروزی می‌باشد. اکنون دشمن سه نقطه مهم به نامهای نشوه - بصره و جعفر دارد. در حال حاضر، جعفر تأمین بصره و نشوه می‌باشد در حالیکه قبلاً و به هنگام هجوم، جعفر حکم احتیاط اهواز را داشت.

ما در تحلیل به این نتیجه رسیده‌ایم که دشمن مجبور است خرمشهر را حفظ کند و از طرف دیگر باید مواظب کرخه‌نور باشد و جمع کردن دو مسئله متناقض برای دشمن مشکل است و از سوی دشمن نشانه‌هایی که بروز کرده، نشان دهنده این مطلب است، همچون انفجار در حمیدیه و تغییرات در جنوب کرخه‌نور و تقویت دشمن در قرارگاه نصر.

ما در مورد قرارگاه فتح به هماهنگی رسیدیم و قرارگاه کربلا باید دقیقاً عملکرد قرارگاههای نصر و فتح را هدایت کند.

راجع به قرارگاه قدس راه حل زیر را پیشنهاد می‌کنیم و اگر سستی کنیم نشوه حکم دوسلک را پیدا می‌کند و همه قوای دشمن فرار می‌کند.

از عملیات فتح‌المبین این تجربه برای من باقی مانده که چنانچه ما امکاناتی در دست داشته باشیم می‌توانیم خیلی کارها انجام دهیم. سرپل فتح، این امکان را برای ما فراهم



می کند تا دشمن را تهدید کنیم و سرپل اهواز به قرارگاه فتح متصل می کند.

**لطفی:** ما معتقدیم عبور از سرپل فتح در حدود کیلومتر ۷۰، به لحاظ مخابرات و فرماندهی برای ما غیر قابل کنترل می باشد، لذا در مرحله اول باید سرپل طراح و فرسیه انجام شود و این سرپل به اهواز وصل گردد و سپس با اتکا به جاده آسفالته حرکتمان را تپادگان حمید ادامه دهیم و بعد از به سمت جفیر برویم.

**موسوی قویدل:** با کدام نیرو؟ جناح چپ، از حمید تا جفیر چه خواهد شد؟

**نتیجه جلسه:** با یاری خداوند، نتیجه بحثها روشن شده و فعلاً شفاها گفته می شود.

برای اعلام آمادگی همه جانبه، به قرارگاهها یک هفته زمان داده می شود، یعنی یکم ماه رجب (۱۳۶۷/۵). در تاریخ ۱۳۶۷/۸ طرح قرارگاهها در قرارگاههای قدس، فتح و نصر بررسی خواهد شد.

- مانور قرارگاه نصر اینگونه است که پس از عبور از رود کارون سرپلی را تصرف می کند و دشمن را در منطقه خرمشهر منهدم کرده، شمال اروندرود را تأمین می کند. همچنین در ساحل شرقی شط العرب پس از تأمین مرز با هماهنگی قرارگاه فتح، حرکت خود را در ساحل شرقی شط العرب به سمت تنومه ادامه می دهد. یعنی تقدم و تأخر زمانی در نظر گرفته نشده است.

- قرارگاه فتح سرپل را اشغال می کند و پس از تأمین مرز، با هماهنگی قرارگاه نصر، حرکت اش را برای تأمین دو پل شهر بصره ادامه می دهد.

- قرارگاه قدس همزمان با سرپل پایین در کرخه نور سرپلی را تصرف می کند و سپس با توجه به موقعیت و عکس العمل دشمن حرکت اش را ادامه می دهد و شط العرب را در نشوئه تأمین می کند.

بدین ترتیب، هر سه قرارگاه در شط العرب پدافند می کنند.

## خواب دیدن جهان آرا

در تاریخ ۶/۷/۲۸، هنگام اذان صبح محمدعلی جهان آرا را در خواب دیدم. فضایی بود و جهان آرا با افرادی که حدود ۸۰-۹۰ نفر می شدند در یک فضایی بودند، من یادم بود که او شهید شده، حالتی داشت و مشغول جمع کردن افرادی برای جلسه یا سمینار یا میهمانی بود و خودش نیز مشغول این کار بود و حواسش به من نبود، از او پرسیدم که در اینجا وضعیت چطور است. گفت: خوبم. خیلی خوبم. بعد او را کناری کشیدم و در گوشش گفتم: میدانی در خرمشهر حمله است.

گفت: بله، اما حیف که من نیستم.

در دست من مقداری اسکناس بود که در آنجا آنها را از من نمی گرفتند این پولها خارجی بود و آنجا این پولها را قبول نمی کردند. به جهان آرا گفتم: می توانی این پولها را برای من عوض کنی؟ خیلی سریع گفت: بله و رفت مقداری اسکناس آورد و از وسط آنها اسکناسهای جمهوری اسلامی را به من داد، وقتی خوب دقت کردم ده تا اسکناس ۵۰۰۰ ریالی بود؛ مانده بودم که پولهای قبلی خودم ارزشش بیشتر است یا این پولها؟ از جهان آرا پرسیدم، گفت: برو برو، همینها را خرج کن ازت می گیرند و همینها خوب است و دنبال جمع کردن افرادی رفت.

## جلسه مشترک ارتش و سپاه و هوانیروز و نهاجا ۱۳۶۷/۵

نخست قرآن تلاوت شد و برادر شیرازی صحبت کرد. قرارگاه قدس طرح عملیات کربلا ۳ را چنین تشریح کرد: در مرحله اول، گرفتن سرپل قدس ۳، ۴ و ۵ در جنوب کرخه کور و جنوب غرب اهواز و در مرحله دوم، عبور از خط قدس ۲ از قدس ۳ و حرکت قدس یک به جنوب و الحاق قدس ۱ و ۲.

در مرحله اول در جنوب غربی اهواز، جاده اهواز - خرمشهر تا عبایه آزاد خواهد شد.

### قرارگاه فتح:

فتح ۱: تیپ لشکر ۹۲ و تیپ ۱۴ امام حسین (ع)؛  
قرارگاه فتح ۳: تیپ ۸ نجف و تیپ ۳ لشکر ۹۲؛  
قرارگاه فتح ۲: تیپ ۲ لشکر ۱۲؛  
قرارگاه فتح ۴: تیپ ۲۵ کربلا و تیپ ۵۵ هوابرد؛ و تیپ ۱۳۷ احتیاط.  
**مانور:** قرارگاه فتح ۴، در شمال سرپل جاده را با پشتیبانی تیپ ۳۷ تصرف می کند و در وسط، قرارگاه فتح ۱ و در جنوب،

شهید باقری:

**به نظر می‌رسد حرکت بعدی اسرائیل، اشغال سوریه و سپس اشغال شرق رود اردن خواهد بود؛ به خصوص به نظر من، اگر عراق سرنگون شود؛ اسرائیل سریع‌تر از سوریه و اردن وارد عمل خواهد شد و حدوداً می‌تواند ۸۰ کیلومتر پیش بیاید و به سلسله جبالی که ۱۳۰۰ متر ارتفاع دارد برسد و عرض اسرائیل را تا تل اویو به حدود ۱۵۰ کیلومتر برساند**

یکی روی دویچی، که مشاهده نشده تانک از روی آن رد شود ولی تریلی رد می‌شده (۲۵ متر) و پل دوم پل الحوامد، که در ۶۰۰ متری شرق جاده اصلی تنومه می‌باشد و تقریباً هنگام مد، قایق از زیر آن رد نمی‌شود ولی به هنگام جزر از زیر آن رد می‌شود. پل دویچی همسطح زمین است ولی پل حوامد ۷۵ متر بلندتر است. اگر روی رود دویچی پل تانک رو بزنند قابل استفاده است.

جاده‌ای نیز از بیابان عبور می‌کند که بسیار محکم و قابل استفاده برای تانک است و فقط بر روی دویچی پل دارد در منطقه‌ای به نام خضر ویات، در زیر جاده محلی برای عبور آب وجود دارد. جاده دیگری نیز وجود داشته که در سال ۱۹۶۹ آب آن را فرا گرفته است.

از جاده اصلی تنومه، دشمن در حال احداث خاکریزی در شمال جاده بوده، که از جاده نیز فاصله می‌گیرد و تقریباً عمود بر کانال آب است.

قبل از کانال آب، یک خاکریز دیگر نیز وجود دارد که بین ۲ تا ۳ کیلومتر با آن فاصله دارد و یک خاکریز نیز در مرز وجود دارد.

در شمال شط [اروند رود] دانشگاه وجود دارد. در ۷۵ تا ۲ کیلومتری جنوب جاده قدیم (جاده شمالی) تنومه به شلمچه مردم ساکن نیستند، اما در کنار شط مردم مزرعه دارند. در تنومه دانشگاه و در شمال آن جیش الشعبی و شمال آن شرکت نفت و خانه‌های سازمانی دولتی و جیش وجود دارند.

در سرشماری ۶ سال پیش، این منطقه حدود صد هزار نفر جمعیت داشته است، که ۶۴ هزار نفر از آن در تنومه هستند. از شط تا حدود ۲/۵ الی ۳ کیلومتر شمال آن مسکونی می‌باشد. در طرفین جاده اصلی تنومه، که ۷۰ خیابان از آن منشعب می‌شود، دو جاده اصلی از آن منشعب می‌شود یکی از آنها در

قرارگاه فتح ۳ در سرپل شرکت خواهند کرد.

**عبور از رودخانه:** ابتدا نیروهای پیاده عبور می‌کنند.

**قرارگاه نصر:** سرهنگ [حسنی] سعدی درباره طرح عملیات، توضیحاتی را داد و مرحله اول را سرپل، تعیین کرد. سپس من نیز نظرم را گفتم.

سرهنگ شیرازی مسائل را جمع بندی کرد و محاسن راه کار یک مرحله‌ای خرمشهر را گفت و عنوان کرد این راه کار یک تضمین اجرایی می‌خواهد، ضمن اینکه هدایت عملیات نیز مسأله مهمی می‌باشد.

برادر محسن رضایی: دو منطقه برای دشمن اهمیت دارد: بصره و خرمشهر. دشمن ۷۰ درصد نیروی خود را در جنوب و ۳۰ درصد آن را در شمال گسترش داده است و در جنوب نیز ۵۰ درصد در سمت شلمچه می‌باشد و ۲۰ درصد در شمال منطقه می‌باشد. اگر ما مسأله تصرف سرپل را جدای از خرمشهر عمل کنیم دشمن به هنگام عمل در مرحله دوم، از سد بند و از غرب جاده به ما فشار خواهد آورد و از عمل ما جلوگیری خواهد کرد و مشکلات و مسائلی نیز در راه کار یک مرحله‌ای وجود دارد، که عبارتند از:

الف) جاده تدارکاتی قرارگاه نصر، با خط مقدم فاصله زیادی ندارد؛

ب) باید در نهر عریض (غرب آن) سرپلی تصرف شود؛ و ج: پل‌های خرمشهر و قصبه نیز باید آماده به کارگیری شود.

#### اطلاعاتی راجع به شمال بصره

دو جاده آسفالتی از بصره تا شلمچه وجود دارد که اولی در فاصله ۷۵ تا ۲ کیلومتری رودخانه کشیده شده و از روی پلهای زیادی رد می‌شود. تعدادی از این پلهای بالوله احداث شده و تعدادی نیز سیمانی و فلزی می‌باشد. دو پل فلزی وجود دارد.

۱۷۵ کیلومتری شمال شط که به شارع الدیجی معروف است و بعدی که حدود ۲ کیلومتری جاده اولی است به شارع الشلمچه معروف است.

### تجزیه و تحلیل واکنش احتمالی دشمن

برادر رحیم [صفوی]: احتمال پاتک دشمن از سمت شلمچه و دیجی بیشتر از شمال و غرب است و از نظر نظامی نیز دشمن نیرویش را به صورت غیرممتد وارد عمل نمی کند. راجع به راه کار فتح، پیشنهاد می کنم که نیروهای باقی مانده از خط حد قرارگاه نصر، از خط عبور کند و جناح راست خود را جاده حسینیّه - تنومه قرار دهد. همزمان، پیشنهاد دیگرم به قرارگاه نصر اینست که دو تیپ زرهی و یک تیپ پیاده از قرارگاه فتح به آن قرارگاه مأمور شوند.

حسن باقری: به جناح راست قرارگاه فتح (جناح شمالی) یا معتقدیم و یا نیستیم، اگر هستیم باید برای آن واحدهایی را در نظر بگیریم. اگر جناح راست را جاده حسینیّه قرار دهیم ۳۵ کیلومتر می شود با چه چیزی می خواهیم آن را بپوشانیم. موسوی قویدل: قرارگاه دو گردان سوار زرهی دارد که می تواند جناح راست خود را بپوشاند.

رشید: از قبل هم ما گفتیم که با آب گرفتگی شمال و وضع فعلی، قرارگاه فتح غیرفعال می شود و اگر قرارگاه فتح به قرارگاه نصر بچسبد و در پایین عمل کند بهتر است. ما راجع به واحدهای دشمن و راه کارهای دشمن، به اندازه کافی مطالعه نمی کنیم، اگر این کار را بکنیم می توانیم بر ضد آن اقدام کنیم.

بالاخره راه کار ممکن، عبور از خط باقیمانده فتح از نصر می باشد.

### بحث عبور از رودخانه

سرهنگ شیرازی: قرارگاه فتح پیشنهاد کرد، پل ۲۴ ساعت قبل از عملیات احداث شود و شب قبل از عملیات، نیروهای پیاده عبور کنند و صبح نیز نیروهای زرهی عبور کنند؛ اما این مسئله، اصل غافلگیری را محدود می کند. پیشنهاد خود من این است که روز قبل از عملیات، پل زده شود.

### تصمیم گیری در مورد عملیات اخیر (بیت المقدس)

در ساعت ۱۷:۰۰ مشخص شد نام عملیات «بیت المقدس» و رمز آن «یا علی» می باشد. ساعت شروع عملیات، ساعت ۱:۳۰ مورخه ۶۷/۲/۱۰ می باشد با توافقی که با حاج آقا مشکینی صورت گرفت، تغییری در راهکار قرارگاه نصر ایجاد نخواهد شد. [بخشی از گفته های ایشان به شرح زیر است:] «قبلاً نیروی مسلمانان کم بود اول ۲ نفر بودند، الحمدالله حالا یک میلیارد نفر هستند نیروی اصلی ایمان است که شما دارید. شما ابر قدرت عشق و علاقه و حسین و علی بن ابی طالب و

شهید باقری:

**باید این موضوع را یادآوری کنم که**

**سقوط عراق، سقوط اردن را نیز**

**به دنبال خواهد داشت**

**و جناح جنوب شرقی اسرائیل**

**تهدید زمینی خواهد شد**

آزادی قدس هستید و آنها ابر قدرت توپ و تانک و باروت هستند، مطمئن باشید شما پیروز خواهید شد. الان دل تمام مردم ایران اینجاست و توی این اطاق است و همه دعاگوی شما هستند و من معتقدم وقتی همه مردم از خدا می خواهند شما را کمک کند، یقیناً هیچ قدرتی و تأییدی برای شما بالاتر از این نیست.

من برای آمدن مشورت کردم، چون نماز جمعه به عهده من بود برای آمدنم استخاره کردم. آیه آخر سوره زمر آمد.»

### شب عملیات بیت المقدس

ساعت ۱:۰۵ بامداد، قرارگاه نصر را از کنار آب حرکت دادیم. ساعت ۱:۲۰، قرارگاه فتح و تیپ کربلا درگیر شده اند و خاکریز اول دشمن سقوط کرده است.

در ساعت ۱:۲۰، بامداد قرارگاه نصر ۳، پنج دقیقه وقت خواست و گفت در حال دور زدن خرائب هستند. نصر ۲، از خاکریزی که دشمن زده بود بدون درگیری رد شده است.

نصرا، در حال پیشروی است اما درگیر نشده است. آنها در ساعت ۱:۲۵: خبر داده اند در ۲ کیلومتری جاده آسفالته هستند. قرارگاه قدس، درگیر شده اند و وضعشان خوب است. نصر ۲، در ساعت ۱:۳۵: حدود ۳-۴ کیلومتری جاده آسفالته قرار دارند.

قرارگاههای قدس و بیت المقدس درگیر شده و توپخانه دشمن را گرفته اند. در ساعت ۱:۴۰ بامداد کد یا علی بن ابیطالب اعلام شد. در ساعت ۱:۵۰ حمیدیه و ثارالله خط را شکسته و عبور کرده اند و حمیدیه حدود یک کیلومتر پیش رفته است. در ساعت ۲:۰۰ رده دوم نصر ۱ توانسته حرکت کند. قرار شد خود رو به آنها داده شود تا حرکت کنند. نصر ۳ در ساعت ۲:۱۵، ۳۵ دستگاه تانک را دور زده و به

(۴) تلاش در دو جهت متضاد،  
 (۵) روز کشید شدن عملیات،  
 (۶) نبودن نقطه نشانی، که بتوان عملیات را از طریق آن هدایت کرد که این مسئله باعث ضعف بین همه داده ها شده بود،  
 (۷) مشکل بودن تطبیق شروع حرکت تا انتها و استقرار روی جاده آسفالته.

### حمله اسرائیل غاصب به لبنان

از لحاظ موقعیت انقلاب اسلامی و پیروزیهایی که در چند عملیات نظامی گذشته به دست آمده و جمع بندیهایی که ممکن است غریبها از وضع حکومت بعث عراق و شخص صدام داشته باشند و از سوی دیگر اهداف آینده ایران در ادامه جنگ و تن ندادن به صلحی که غریبها می خواهند، این مجموعه علی القاعده یک نتیجه را برای غرب مطرح می کند و آن اینکه وضعیت رژیم بعث عراق بی ثبات است و شخصیت صدام، برای ادامه حکومت بر عراق زیر سؤال رفته است. تعویض صدام احتیاج به محیط آرامی در داخل دارد تا اگر مسئله ای به وجود آمد بتوان؛ آن را سرکوب کرد ولی در وضع کنونی که جبهه های دفاعی عراق بسیار ضعیف و غیر قابل اتکا می باشد این تعویض ریسک بزرگی می باشد. از لحاظ رزمی، ارتش عراق توان رزمی خود را از دست داده است در حالیکه به حق می توان گفت ارتش قوی و با

جاده آسفالته رسیده است. نصر ۳ در ساعت ۲:۲۰ هنوز وضعیت مشخصی ندارد. نصر ۵، می گوید مقابل خرائب است. در ساعت ۲:۳۰، ۴۰ دستگاه توپوتا برای نصر افرستاده شد. نصر ادر ساعت ۲:۵۰ توپوتاها را پیدا کرد. در ساعت ۳:۵۰ نصر ۲ درگیری را شروع کرد. نصر ۳ در ساعت ۳:۱۰ می گوید به دشمن رسیده ایم. درگیری در خرائب در ساعت ۳:۳۰ همچنان ادامه دارد و نصر ۵ حدود ۳ کیلومتر از خرائب عبور کرده است. در ساعت ۳:۵۰ نصر ۲ با ۳۵ دستگاه تانک درگیر شده ولی مقاومت می کند و ۸ عدد توپ به غنیمت گرفته است و تعدادی اسیر نیز گرفته است. نصر ۵ در ساعت ۵:۰۰، در ۸۰۰ متری شرق جاده و ۵۰۰ متری شمال سد بند است. ۵:۱۵ نصر ۳ با سد بند درگیر شده است. ۶:۲۰ واحدی که در پشت سد بند بوده از رده بالاتر از خود، تقاضای عقب نشینی کرده که گفته اند فقط در صورتی که وسایلش را بیاورد می تواند عقب نشینی کند. که جواب داده، فقط خودروهایی را می توانم پایین بیاورم.

### نظرات کلی راجع به این حمله (بیت المقدس): ۶/۲/۱۰

(۱) سرعت در اجرای عملیات به علت عکس العمل عراق،  
 (۲) ضعف آمادگی و شناسایی تیپ ۴۶ فجر،  
 (۳) واگذاری بیش از اندازه گردان به تیپها و در نتیجه واگذاری دو تلاش اصلی به یک تیپ که نتوانسته هر دوی آنها را تأمین کند،





سازمانی بود.

باید این موضوع را یادآوری کنم که سقوط عراق، سقوط اردن را نیز به دنبال خواهد داشت و جناح جنوب شرقی اسرائیل تهدید زمینی خواهد شد.

اطلاعات و اخبار موجود در اختیار ما در مورد علت و انگیزه حمله اسرائیل به لبنان، بسیار ناقص و کم می باشد، اما بر اساس همین اخبار ناقص علت حمله بیشتر نظامی است تا سیاسی. از نظر سیاسی، امریکا و متحدانش، فشار زیادی را روی کشورهای عربی وارد می کنند تا آنها در مقابل این اقدام اسرائیل اعتراض نکنند. در حالیکه سکوت دولتهای عربی در این مورد شدیداً به موقعیت این حکومتها در میان مردمشان لطمه می زند، این فشار به حدی است که حتی این کشورها به طور صریح و گسترده، این عمل اسرائیل را محکوم نکرده اند و حتی اضطراب دارند راجع به این موضوع صحبت کنند. به نظر می رسد این اقدام اسرائیل از لحاظ سیاسی در

نیروهایی را به داخل لبنان اعزام نماید و تا صور نیرو مستقر کند و فلسطینیها نیز در جنوب لبنان با کمک شیعیان به عملیات ایذایی عمل کردن می پرداختند.

در نقشه آینده اسرائیل و صهیونیسم، آنها قصد دارند از فرات تا نیل را اشغال نمایند و اسرائیل بزرگ را تشکیل دهند و این موضوع را آشکارا، به نیروهایشان تدریس نیز می کند. پس از فتح خرمشهر، اسرائیل و به تبع آن امریکا به این فکر افتادند که سریعتر وضعیت نیروهایی را که اسرائیل را تهدید می کنند روشن کند؛ لذا، اول به فکر پاکسازی جناح شمالی بقاع و تابروت افتادند.

به نظر می رسد حرکت بعدی اسرائیل، اشغال سوریه و سپس اشغال شرق رود اردن خواهد بود. به خصوص به نظر من، اگر عراق سرنگون شود. اسرائیل سریع تر از سوریه و اردن وارد عمل خواهد شد و حدوداً می تواند ۸۰ کیلومتر پیش بیاید و به سلسله جبالی که ۱۳۰۰ متر ارتفاع دارد برسد و



عرض اسرائیل را تا تال آویو به حدود ۱۵۰ کیلومتر برساند. در مورد راه کار نیروهای اسلام در این زمینه، فکر می کنم راهی به جز سقوط عراق و سپس سقوط اردن نداریم و ما باید جبهه ای را در خط رود اردن ایجاد کنیم.

مسئله ما در جنگ با اسرائیل بیشتر مقدمات حمله می باشد در اهواز طی یکروز ۱۸ فروند هواپیمای سی - ۱۳۰ زخمی ها را به شهرستانها منتقل کرده اند. این موضوع اهمیت بسیاری دارد. کمک مردم و داشتن راه ارتباطی جزو مقدمات لازم برای حمله می باشد.

### گزارش سفر به سوریه و لبنان

صحبتهای برادر رشید - قرارگاه کربلا ۱۳۶۱/۳/۲۳  
اسرائیل در سال ۱۹۶۷ حدود ۱۴۰۰ کیلومتر مربع از سوریه،

موقعیت مناسبی صورت نگرفته، به خصوص زمانی که امریکا حکم محکومیت اسرائیل را در شورای امنیت و تو می کند، اگر ایران به داخل عراق نفوذ کند محکوم کردن ایران برای غرب مشکل خواهد بود و این مسئله، تناقضی را برای امریکا ایجاد خواهد کرد.

اما به لحاظ نظامی، اسرائیل چهار یا پنج جناح زمینی دارد: از غرب، دریای مدیترانه؛ از شمال، لبنان؛ از شمال شرقی و شرق، سوریه؛ و از جنوب شرقی، اردن و از جنوب مصر. فعلاً از دو ناحیه دریا و مصر برای اسرائیل نگرانی چندانی وجود ندارد هر چند که تعویض حکومت در مصر، می تواند از نو، همان مشکل را برای اسرائیل ایجاد کند.

از طرف شمال و شمال شرقی، مسئله سوریه و لبنان مطرح می باشد که به خصوص در طول زمان، سوریه توانست

افکار ساده‌اندیشانه هنوز وجود دارد، چرا برادران به جای کل سپاه و به جای انقلاب، فکر نمی‌کنند و مشکلات را بررسی نمی‌کنند. ای کاش ماقبالاً به فکر کار در سوریه و لبنان می‌بودیم.

مسئله‌ای که الآن محرز است، این است که در دنیای اسلام، انقلاب اسلامی ایران آبرویی پیدا کرده است. مورد دیگر اینکه، مسئله صدام باید حل شود و راه حل آن ادامه عملیات است. اگر بخواهیم انقلاب پیش برود و مسئله اسرائیل حل شود، باید عراق آزاد شود و برای این کار نیز، باید عملیات ادامه پیدا کند.

نکته دیگری که در مورد اسرائیل هست، این است که اسرائیل مطرح می‌کند از نیل تا فرات اسرائیل بزرگ است و حتی این افکار را به کودکان دبستانی هم تلقین می‌کند و آموزش می‌دهد، اما ما که ایمان داریم و امامی داریم که نایب امام زمان (ع) است و ما منتظر آن امام هستیم. این را باید جاری کنیم که اگر امام امت گفتند: فلان کار بشود. از رئیس جمهور تا بسیجی باید دنبال اینکار بروند و نباید اراده شکسته شود و اگر تصمیمی گرفته شد باید انجام شود. که ما شکسته نشویم و اگر شکسته شود امر امام و اسلام شکسته شده و امروز، اعتبار ما اعتبار اسلام است و تصمیم و قدرت ما تصمیم و قدرت اسلام است. امام اگر فرمودند: صدامی در کار نیست، نباید صدام در کار بماند. همه این مطالب مربوط به همان سخن امام امت است که ما انقلاب را شناخته ایم و امشب به خاطر شهدای مطهر اسلام، مجلس دعا و روضه برقرار نماییم.

### طراحی عملیات رمضان

**جلسه فرمانده کل باقرارگاههای لشکری (قرارگاه کربلا)**  
ابتدای پس از تلاوت قرآن کریم، برادر معینیان استعداد دشمن را تشریح کرد که در شمال نشو لشکر ۶، در ..... لشکر ۵ و در مقابل قرارگاههای فتح و نصر نیز لشکر ۳ مستقر است و دشمن در خط، نیروی پیاده آورده و در خط دوم نیز واحدهای زرهی را مستقر کرده است.

نیروی آزاد دشمن عبارت از تیپ‌های ۱۰ و ۱۷ زرهی لشکر ۱۰ می‌باشد.

**برادر محسن رضایی:** عقبه لشکر ۳ دشمن، بصره می‌باشد و لشکر ۵، احتمالاً بین بصره و نشو انتهای شمال کانال و عقبه طلائی در نشو می‌باشد.

**برادر رحیم اصفوی:** احتمال اینکه لشکر ۳ تماماً در خط باشد با توجه به آسیب پذیر بودنش بعید است و حداقل باید با دو تیپ تقویت شود. در جنوب جزیره بویان، آرایش دشمن غیرنظامی است. نکته دیگر، وجود کانالهای آب است

حدود ۶۰۰۰ کیلومتر مربع از اردن و بیش از ده هزار کیلومتر مربع از مصر را اشغال کرده است. در سال ۱۹۷۳ که سوریه قصد بازپس‌گیری حومه قنیطره را داشته با ۴ لشکر حمله می‌کند و اسرائیل نیز با دو لشکر ضد حمله می‌کند و آنها را بیست کیلومتر عقب می‌راند.

اسرائیل برای محاصره دامور، صور و صیدا از جنوب و شرق از طریق خشکی حمله کرده و از شمال نیز از راه دریانیر و پیاده کرده است.

دیده بان سوریه در بقاع در ۶ کیلومتری اسرائیل مستقر بود و هیئت ایرانی را تا ۸ کیلومتری دیده بان بردند.

کل نیروی رزمنده جنبش امل، حدود چهار، پنج هزار نفر هستند که ۲۰ دستگاه خمپاره ۸۰ دارند و خمپاره ۱۲۲ نیز خریدارند اما نتوانسته‌اند آن را به کار بگیرند و فلسطینیها هم، ۱۵ هزار نفر رزمنده دارند.

### جلسه قرارگاهها با فرمانده کل سپاه (قرارگاه کربلا)

۶۱۳/۲۴

ابتدا قرآن کریم توسط برادر بشردوست و ترجمه برادر ردانی پور قرائت گردید. در قرارگاه قدس به ترتیب مسئولین قرارگاهها به ارائه گزارش پرداختند و سپس مسئولین قرارگاه کربلا گزارش دادند.

**برادر محسن رضایی:** لقد رضی الله عن المؤمنین... در جلسه‌ای که در تهران با مسئولین تیپها و لشکرها و مسئولین مناطق داشتیم، مسئله سرعت عمل را مطرح کردیم و آن موقع، هنوز قضیه اسرائیل پیش نیامده بود. وقتی که به فرماندهی سپاه منصوب شدم، خط مشی تعیین کردیم که دو تای آن خاتمه سریع جنگ و پاکسازی صدام انقلاب بود و دلیل آن هم این بود که اگر ما می‌خواهیم انقلاب را پیش ببریم، باید امریکا را به عکس العمل بیاندازیم و او را به دنبال خودمان بکشیم دوباره حمله اسرائیل به لبنان درست است که هدف اسرائیل تصرف محدوده بین نیل تا فرات می‌باشد اما وقتی حمله را مشاهده می‌کنیم یک شتابزدگی را در حمله اسرائیل می‌بینیم. در طول انقلاب اسلامی جریاناتی چون سقوط شاه، [تسخیر] سفارت، واقعه طبس، کردستان و جنگ باعث شد تا امریکا به دنبال انقلاب ایران حرکت کند. لذا، پس از ناامیدی در جنگ به عامل خود (اسرائیل) دستور داد حمله کند و بیروت را نیز بگیرد - که حتی فلسطینیها و سوریها هم فکر آن را نمی‌کردند - امریکا با اینکار فقط می‌خواست بگوید من هستم و از من بترسید. نیت اسرائیل، تصرف جهان اسلام است و فرد دمشق را هم خواهد گرفت و اردن و عراق هم که مطرح نیستند و در یک چشم بر هم زدن اسرائیل با ایران هم مرز می‌شود.

محسن رضایی:

**شروع کار سپاه، با تعیین اهداف اولیه و تربیت کادر و سازماندهی  
مشخص همراه نبود و ما همه اینها را حل شده پشت سر گذاشتیم  
و هر لحظه امکان انفجار در این زمینه وجود دارد؟! اگر احساس  
می کردیم که باید جنگ را سریع تر حل کنیم، امروز آن سرعت  
بیشتر شده و دیگر زمان نداریم که عملیات را تعطیل کنیم و برویم  
سپاه را از نو بسازیم و برگردیم، جنگ را ادامه دهیم**

تهدید قرار می گیرد.  
بر مبنای مطالب فوق حتماً باید دو تلاش اصلی به طرف  
نشوه و بصره صورت گیرد و قرارگاه فجر به سوی قرارگاه  
قدس حرکت کند.  
همچنین، غلامپور و ردانی پور نیز موافق دو تلاش اصلی  
بودند.

#### **جلسه قرارگاههای چهارگانه، راجع به طرح عملیات به طور مشترک با ارتش ۱۳۶۱۳/۲۵**

ساعت ۱۸:۰۰؛ قرارگاه کربلا، با حضور فرمانده کل سپاه و  
فرمانده نزاچا  
ابتدا قرآن تلاوت شد. سپس برادر محسن، تحلیل  
سیاسی موقعیت فعلی را گفتند. پس از آن برادر رحیم  
[صفوی] سپاه را با دو تلاش اصلی آن بیان کرد. سپس سرهنگ  
محمدزاده، درباره طرح ارتش صحبت کرد.  
سرهنگ محمدزاده: عملیات در سه مرحله پیش بینی  
شده، که عبارتند از:

– مرحله اول: قرارگاه نصر با شکستن خط در همه مراحل به  
سمت غرب پیش روی می کند؛ قرارگاه فتح در شرق کانال  
آب، اقدام به تک و پدافند می کند؛ قرارگاه فجر، خط فعلی را  
می شکند و به مرز می رسد؛ و قرارگاه قدس نیز خط فعلی را  
می شکند و در مرز مستقر می شود.

**محاسن طرح:** قرارگاه فتح مشابه دفعه قبل عمل می کند،  
شناسایی دارد، عمق عمل آن کم است و انهدام دشمن صورت  
می گیرد. دشمن فضای مانور ندارد و این مسئله تأثیر مثبتی در  
عملیات قرارگاههای نصر و فجر دارد. جناح شمالی قرارگاه  
نصر تأمین است و تمرکز توان رزمی نیروی خودی، با توجه  
به عرض کم منطقه عملیات، امکان پذیر است. پس از  
شکستن خط اول، مانور رزمی وجود ندارد و بیشتر توپخانه

که مانعی برای خود دشمن نیز به حساب می آید و اگر پلها  
اشغال شوند، مشکل زیادی برای عراق به وجود می آید. اینکه  
عقبه لشکر ۳، پلهای موجود در روی کانال یک کیلومتری  
باشد بعید است و باعث آسیب پذیری دشمن می شود.  
برادر مجید: نظرش را راجع به دو تلاش اصلی از سوی  
طلائی و شلمچه گفت.

**برادر جمفری:** ابتدا باید، تجربیات حملات قبلی را  
جمع بندی کنیم. در شکل فعلی، جناح شمالی دشمن در  
پشت کانال ۵۰ متری که احداث کرده، مستحکم است و مانند  
جنوب کرخه نور می باشد. لذا، ما باید از نقاط ضعف دشمن  
استفاده کنیم و اصلاً از شلمچه و طلائی عمل نکنیم و از  
جنوب کوشک عمل کنیم. باید در شرق کانال و جنوب  
خاکریز شمال شرقی و جنوب غربی پدافند کرد و در مرحله  
بعدی از انتهای شمال غربی کانال به طرف پلها رفت.  
در مورد عیب این طرح گفتند که ادامه عملیات مهم  
است.

**باقری:** از جمله مسائلی که در این حمله باید مد نظر  
بگیریم:

یکی سرعت عمل است و از مراحل شروع عملیات باید آن را  
رعایت کنیم.  
دوم؛ تصرف شمال شط العرب، بدون انهدام دشمن تغییری  
در رژیم عراق به وجود نمی آورد.  
سوم؛ انهدام دشمن موضوع قابل توجهی است.  
چهارم؛ اگر یک راه کار را انتخاب کنیم و عملیات در این  
مرحله به مشکل بر بخورد چه باید بکنیم.  
پنجم؛ اگر دو تلاش اصلی داشته باشیم، فرار دشمن از کوشک  
عقیم می ماند.  
ششم؛ نشوه به عنوان محل بازسازی نیروهای عراقی، مورد

### حرکت به طرف بصره ۶۱۳/۲۸

به طور کلی این موضوع را که آیا حرکت نظامی آینده ما یک حرکت صحیح از نظر اقتصادی، سیاسی و نظامی می باشد یا نه؟ رامی توان از چند دیدگاه بررسی کرد.

**(۱) جنبه نظامی:** در حال حاضر، طول خط پدافندی نیروهای اسلام در مرز، حدود ۹۰ کیلومتر می باشد و عراق سعی دارد با به کارگیری موانع طبیعی و مصنوعی، از پیشرفت نیروهای ایران جلوگیری کند. این موضوع، که عراق با تمام توان به دنبال اینست که جلوی پیشروی ایران را سد کند، می تواند دلیل برای این باشد که، حمله آینده به دلایل زیر: از نظر نظامی به نفع نیروهای اسلام است:

الف) پدافند آسان تر: پدافند در ساحل یک رودخانه ۷۰۰ متری بسیار آسان تر از یک پدافند در زمین عادی و صاف است، به خصوص که خط پدافندی ترسیم شده در حمله آینده، و تردد و ضلع پدافندی کنونی خواهد بود که کمتر از دو ضلع می باشد. برای پدافند در ساحل رودخانه، نیروی کمتری لازم است و می توان در نیرو صرفه جویی کرد.

ب) برد توپخانه: در پدافند ترسیم شده در حمله آینده، بسیاری از نقاط میهن اسلامی از برد توپخانه دشمن خارج خواهد شد. ج) موانع طبیعی و مصنوعی موجود، در و حله اول، حمله را برای نیروهای خودی مشکل می نماید، اما آسیب پذیری دشمن نیز در مقابل حمله ما زیاد می باشد و انشاء الله به یاری خداوند متعال نیروی قابل توجهی از دشمن منهدم خواهد شد.

**(۲) جنبه اقتصادی:** پس از صرفه جویی در نیروی پدافند کننده، در اقتصاد نیز صرفه جویی می شود.

از این نظر که، طول خط آمارسانی طولانی خواهد شد، مسئله چندانی نیست. زیرا، این طول مسیر حدود ۲۰ کیلومتر می باشد و نمونه چنین وضعیتی را قبلاً نیز داشته ایم. از سوی دیگر در منطقه دو جاده آسفالت هویزه - نشوه و شلمچه - بصره نیز وجود دارند و با تکمیل جاده اتصال آبادان - اهواز به جاده اهواز - خرمشهر از طریق پل حفار، مسائل بسیاری حل خواهد شد و بسیاری از احتیاطات از طریق آبادان و انرژی اتمی تأمین خواهد شد.

از سوی دیگر در پدافند دائمی، ما مشکل اقتصادی پیدا می کنیم. در ادامه نبرد، کمکهای مردم افزایش چشمگیر پیدا می کند و در نتیجه، از جنبه اقتصادی حرکت نظامی آینده به ضرر جمهوری اسلامی نمی باشد.

**(۳) جنبه سیاسی:** مهمترین جنبه های سیاسی عملیات آینده عبارتند از:

الف) وجه بین المللی اشغال نظامی خاک یک کشور دیگر: در صورت اشغال خاک عراق از سوی ایران، مجامع

فعالیت می کند و امکان پاتک سریع دشمن وجود ندارد. هدف های قرارگاههای فجر و قدس، کم عمق و سهل الوصول است و به تثبیت دشمن کمک می کند و نیروی دشمن را درگیر می کند.

**معایب طرح:** عملیات قرارگاه نصر، به شکستن خط ۴ کیلومتری خودش منوط خواهد بود.

- مرحله دوم - ادامه تک قرارگاه نصر به طرف هدف نهایی؛ قرارگاه فتح: تثبیت هدف و کمک به قرارگاه فجر؛ قرارگاه فجر: ادامه تک و رسیدن به کانال آب؛ قرارگاه قدس: تثبیت وضعیت در صورتیکه موفق شود از کانال ۵۰ متری عبور کند، وضعیت خود را تثبیت کند.

- مرحله سوم: ادامه عملیات قرارگاه فتح به سمت جنوب کانال.

سرهنگ جمشیدی: ممکن است قرارگاه نصر نتواند عبور کند. لذا، قرارگاه فتح برای پدافند به نیروی بیشتری احتیاج خواهد داشت. همچنین، وسعت منطقه عملیات قرارگاه فجر زیاد می باشد و نمی تواند هم به طرف غرب و هم به طرف جنوب پدافند کند. از اینرو، چنانچه قرارگاه قدس بتواند مرز را اشغال کند، به پیشروی اش ادامه دهد. در غیر این صورت، پیشنهادم این است که قرارگاه قدس بیاید در منطقه فجر عمل کند.

باقری: گفتم فرض را این بگیریم که قرارگاه قدس نمی تواند عمل کند، لذا بیاییم و قرارگاه قدس را در منطقه عملیات قرارگاه فجر به کار بگیریم و تلاش اولیه، اشغال شمال بصره باشد.

رحیم [صفوی]: عبور قرارگاه نصر از ۴۰ کیلومتر، باعث آسیب پذیری آن می شود و بعد درباره مفید بودن عمل در نشوه صحبت کرد.

اقتصادی - سیاسی برای عراق خواهد شد. در صورتی که ما موفق شویم به شمال شط العرب برسیم، عراق مجبور است برای جلوگیری از شورش در بصره، اهالی این شهر را کوچ دهد و یک میلیون آواره جنگی برای خودش درست کند. به خصوص که، مردم این آوارگی را علیرغم همه توجیحات از سوی صدام خواهند دید و به طور طبیعی از او خواهند پرسید: که چرا جنگ را شروع کرد و نتوانست ادامه دهد و این بلا را بعد از اینهمه کشته، بر سر آنها آورده است؟ به خصوص که، ایران به علت اعتقادات مکتبی اش، شهر بصره را نیز نخواهد کوبید.

ثالثاً درباره اثرات منفی ترندهای تبلیغاتی؛ صدام، که عنوان کند دیدید من گفتم ایرانیها قصد اشغال کشور شما را دارند و وضعیت حکومت خود را تثبیت کند، برای اینکه انگیزه جنگیدن را در سربازان خودش به وجود بیاورد؛ گذشت زمان نشان خواهد داد که با صداقت ایران در جنگ، این مسأله باعث ایجاد مشکل عمده ای برای نیروهای اسلام نخواهد بود. (ج) تأثیر این اقدام بر روابط ایران با جبهه پایداری؛ کشورهای سوریه، الجزایر و لیبی تاکنون واکنشهای متفاوتی از خود نشان داده اند. از جمله، موضع سوریه بیشتر به سمت مخالفت کشیده می شود ولی درباره سوریه باید انگیزه توسعه طلبی در مورد عراق را هم باید مدنظر داشت.

### خطوط دفاعی عراق ۶۱۳/۳۱

عراق در این جنگ به لحاظ طرح های ایذایی، در حفظ و نگهداری خطوط دفاعی خود تلاش فراوانی نشان داده و حتی دست هیتلر و موسولینی را نیز در این زمینه از پشت بسته است. از جمله این خطوط دفاعی، می توان نهرهای عبید و سابل و مینهای شمال غربی بستان و یا طرح دفاعی خرمشهر و غیره را نام برد.

**طرح خطوط مستقیم:** استفاده از موانع طبیعی زمین برای تشکیل خطوط دفاعی یک امر عادی می باشد. سران ارتش عراق برای تشکیل خطوط دفاعی مستقیم، طرحی را تهیه کرده اند که ابتدا کالک آن را دیدیم و بعد در روی زمین در جنوب رودخانه کرخه نور در طول بیش از سی کیلومتر، آنرا خودم مشاهده کردم.

ابتدا میدان مین وجود دارد که بنا به موقعیت، دارای عمق مختلفی می باشد. سپس دو ردیف سیم خاردار لوله ای، که یک ردیف هم روی آن می اندازند، که عرض آن حدود سه متر و ارتفاع آن نیز در همین حدود می باشد. پس از آن، سیم خاردار خطی - که چندان عامل مقاومت نمی تواند باشد - استفاده می کنند. پس از آن خندق، که عرض آن بنا به موقعیت از ۲ تا ۳ متر و عمق آن ۲ متر می باشد، قرار دارد؛ که در صورت

امپریالیستی بین المللی، می توانند موضع گیریهای گوناگونی داشته باشند، از جمله:

اولاً؛ ایران را همسان اسرائیل، اشغالگر و برای اعراب خطرناک قلمداد کنند. به خصوص که انگیزه اسرائیل را یک حالت ضد تروریستی و انگیزه ایران را صدور انقلاب، قلمداد کنند. اما لازمه چنین سیاستی این است که ابتدا باید اسرائیل را محکوم کنند، پس از آن ایران را محکوم کنند و این به ضرر آنها می باشد.

ثانیاً؛ جو تبلیغاتی وسیعی علیه ایران ایجاد کنند و از طریق سازمان ملل، شورای امنیت و غیره ما را محکوم کنند و این را برای دوستان آمریکا، خطرناک قلمداد کنند، این حالت، چندان خطر آفرین نمی باشد. آنها سازمان آزادیبخش فلسطین را، که از سوی سازمانهای بین المللی تأیید زیادی را به دست آورده بود، به چنین وضعیتی دچار نمودند؛ رادر کنار آن، اسرائیل را نیز محکوم کردند اما این کشور به ریش همه خندید و به اشغال لبنان ادامه داد.

ب) تأثیرات سیاسی این مسأله در نزد مردم عراق؛ این تأثیرات، می تواند سه جنبه داشته باشد:

اولاً در داخل مردم عراق؛ این تحلیل که مردم عراق از ارتش عراق می ترسند و می گویند ارتش ایران که با صدام نمی تواند مبارزه کند و نتوانسته ارتش عراق را کاملاً متلاشی کند چگونه مردم عراق می توانند این کار را انجام دهند، مرتفع خواهد شد و مردم قوت می گیرند که رفته رفته ارتش اسلام قوی شده و ارتش و رژیم بعث عراق رو به ضعف می گذارد. ثانیاً اثر مردم بر رژیم؛ با رسیدن نیروهای اسلام به مرز بین المللی عراق، رژیم بعث به طور طبیعی بنا به کیفیت رژیمش، تنومه و به طور کلی شمال شط العرب را تخلیه کرده و فشار مردم مناطق تخلیه شده، باعث ایجاد مشکلات

امکان، یا آب در آن می‌اندازند، یا مین می‌کارند و یا سیم خاردار می‌کشند و یا از سیم خاردار و مین هر دو استفاده می‌کنند. پس از آن، کانالی وجود دارد که سنگ نقرات در آن به صورت انشعابی و زیگزاگ احداث گردیده و پس از هر سه سنگ انفرادی، یک تیربار مستقر می‌کنند. سنگرهای انفرادی، دارای سقفهای نیم دایره‌ای است و پشت این خط، سنگرهای جمعی قرار دارد و پس از آن نیز، سنگرها و سکوها تانک می‌باشد.

### جلسه مشترک قرارگاههای مشترک چهارگانه سپاه و ارتش با فرمانده نزا جا و برادر رحیم [صفوی] ۶/۴/۸

ابتدا قرآن تلاوت شد و سپس قرارگاههای قدس، فجر، فتح و نصر، توسط فرماندهان لشکرهای ارتش و سپاه توضیحاتی را دادند، پس از آن سرهنگ شیرازی صحبت کرد:

با وضعی که در لبنان به وجود آمده، سران نیروهای جنگنده، سازش کرده‌اند و سلاحهای سنگین خود را به دولت لبنان تحویل داده‌اند و لشکر یک سوریه نیز عقب‌نشینی کرده و همچنین، توپهای ۱۷۵ میلیمتری اسرائیل در ۳۵ کیلومتری دمشق مستقر شده است.

با اینکار، امریکا ذهن مردم نیروهای اسلام را مدتی مشغول کرد و مانیروهای خودمان را منتقل کردیم و قرار شده بود که چند گردان از ایران با چند گردان از سوریه، مشترکاً عمل کنند.

دیروز که خدمت امام [ره] رسیدیم، ایشان چند سؤال را مطرح کردند؛ یکی اینکه، با چه کسانی می‌خواهید وحدت کنید و بجنگید؟ یکی سازمان آزادیبخش فلسطین که سازش کرده. امام فرمودند: آیا از سیصد هزار نفر ارتش سوریه صد هزار نفر حاضر است بجنگد؟ که این کار را نمی‌کند. اگر شما عمل کردید پشتوانه نمی‌خواهد و اسرائیل نمی‌تواند چند هزار نفر شماها را از بین ببرد؟ لذا گفتند: هیچ کس نرود و اینهایی که رفته‌اند به عنوان عامل وحدت بمانند؛ زیرا، ما رفته‌ایم که با دیگران دست به دست هم بدهیم و بعد بجنگیم. در غرب کشور، عراق با عجله از قصر شیرین، سومار و نفت شهر عقب‌نشینی کرده است و تقریباً منطقه تحت اختیارش را تخلیه کرده و روی ارتفاعات مستقر شده، البته هنوز به مرز سال ۱۹۷۵ نرسیده است.

صدام یک بار دیگر دبیر کل حزب بعث شده است. اعضای رژیم بعث، چند سری عوض شده است. قصد صدام، تثبیت رژیم عراق است تا بتواند دو ماه دیگر، کنفرانس غیر متعهد را در بغداد برگزار نمایند.

امام امت نیز طی دو سخنرانی راه کار را روشن کردند. امروز در جلسه شورای عالی دفاع، قرار شد نیروهای ما فعلاً

در سوریه باقی بمانند و وزارت امور خارجه، موضوع را به اطلاع سوریه برساند که قرار بوده الجزایر و لیبی هم نیرو بفرستند ولی نفرستاده‌اند. مورد دوم عملیات اخیر بود که قرار شد با سرعت پی‌گیری شود و انجام گردد. لذا ما باید عملیات کربلای ۴ را انجام دهیم که اجرای آن فوائد ذیل را به همراه دارد:

- الف) انهدام و اسارت نیروهای دشمن؛
- ب) صرفه جویی در پدافند در کناره شط؛ و
- ج) امکان عمل با نیروی صرفه جویی شده در نقاط دیگری مانند جبهه غرب.

### جلسه لشکرهای سپاه با فرمانده کل سپاه ۶/۴/۹

عزیز [جعفری] پیشنهاد داد، تیپ نجف در قرارگاه نصر و تیپ ۱۴ امام حسین (ع) در لشکر فتح باقی بمانند و تلاش عبور از پلهای کانال آب نیز به لشکر نصر واگذار شود، که برادر محسن هم همین پیشنهاد را مطرح کرد. سپس آیات قرآن از آیه ۲۹ سوره ذاریات که برادر محسن به عنوان تفاعل قرائت کرده بود خوانده شد بعد برادر محسن راجع به سوریه صحبت‌هایی را مطرح کرد.

برادر محسن ارضایی: از ابتدا که ما به سوریه رفتیم به این نتیجه رسیدیم که سوریه رسماً نمی‌تواند وارد جنگ شود، به خصوص که در داخل لبنان نیز به صورت صددرصد دفاع نمی‌کند و حاضر نیست لشکرهایش ضربه مهمی ببینند و قرار بود الجزایر و لیبی نیز بیایند که نیامدند.

مسئله دوم ما در آنجا، مشکل جغرافیایی است که راه زمینی نداریم.

مسئله سوم، تداوم جنگ ایران و عراق و تجزیه شدن نیروهای ایران و عدم پشتیبانی مردمی از رزمندگان ایرانی در

سوریه و لبنان است.

امام قاطعانه فرمودند که دیگر حتی نباید یکنفر نیرو برود و حتی گفتند: مادر این وسط مقداری بازی خوردیم. شورای عالی دفاع بدون مشورت با امام به این کار اقدام نمود و البته نزدیکترین نظر به نظر امام، نظر سپاه بود، که طی دومین نامه سپاه به امام داده شده است و احمدآقا می گفت: که امام گفته اند سپاه هم همین حرفهای مرا می زند.

برادر محسن [رضایی] گفت: سوریه در محاصره عراق، اردن و اسرائیل قرار گرفته و به دلیل نداشتن یک حکومت انقلابی متکی به مردم، ممکن است حکومت این کشور آمریکایی شود و ساف رانیز امریکایی کرده اند و حتی تعویض... نیز کلاهی است که ریگان سر اعراب گذاشت. هیگ، طرفدار ادامه جنگ اسرائیل و نابودی ساف بود؛ اما، از سوی دیگر اعراب، امریکا را تحت فشار گذاشته اند و ریگان با این کار به اعراب گفته که ما خواستار نابودی ساف نیستیم. برادر محسن گفت: اعضای شورای عالی دفاع با همه دبدبه و کبکبه احساساتی عمل کردند و باید دعا کرد که خداوند امام را حفظ کند.

### جلسه قرارگاههای چهارگانه سپاه با برادر محسن [رضایی]، ۶۷۴/۲۴

برادر محسن [رضایی]: ما تاکنون چندین بار، عملیات جبهه ای را تجربه کرده ایم و نشان داده ایم که در تک های جبهه ای موفق نیستیم. لذا، از این به بعد باید به سه اصل توجه کنیم:

(۱) بررسی توان خودی

(۲) انهدام نیروی دشمن؛ و

(۳) استفاده از موفقیت.

به منظور موفقیت در عملیات، با توجه به اینکه ما فقط چند تیپ خط شکن داریم، باید آنها را در خط بگذاریم و بقیه تیپها را پشت سر آنها قرار دهیم. نباید از همه تیپها، توقع شکستن خط را داشته باشیم و پس از رسیدن به یک نقطه رهایی از تیپهای بعدی استفاده کنیم.

مجید: ما در شب اول با یک تیپ، خاکریز خط مقدم دشمن را اشغال کنیم و پس از پاک سازی، تیپ های بعدی را وارد عمل کنیم.

باقری: مسأله مهم، عبور دادن تیپهای بعدی از خط است. اجرای این کار برای تیپ های ما، با توجه به ضعف توجیه فرمانده گردانها نسبت به این نوع مانور، مشکل است. مطلب بعدی، هدایت عملیات در هنگام شب است که این نیز ضعف می باشد.

محسن [رضایی]: برای اینکه تیپها بتوانند، موقعیت خودشان را در عمل تجسم کنند و همچنین فرمانده لشکرها، برای اینکه موقعیت لشکر خودشان را داشته باشند باید از نیروهای عملیاتی استفاده کنند.

رشید: من سه نکته را یادآور می شوم: یکی: جناحین

### بازگشت مجدد به جنگ ایران و عراق (۶۷۴/۹)

۱۵ خردادماه سال جاری بود که اسرائیل با یک حمله هوایی گسترده از راه زمین به لبنان حمله کرد و به دنبال آن احساسات همه مسلمین با درصدهای مختلف برانگیخته شد. فلسطینیها، لبنانیها و سوریها که غافلگیر شده بودند، این اندازه پیشروی و اشغال را از اسرائیل توقع نداشتند. البته، فکر می کنم سوریه در جریان پیشروی اسرائیل قرار گرفته (حتی رسماً توسط حبیب و دیگران) بود و ساف نیز، چند ماه بود که نسبت به یک حمله گسترده اسرائیلیها هشدار می داد و سازمان امل و غیره نیز در این زمینه اطلاعاتی داشتند.

نظر من اینست که، عناصر خائنی در ساف هستند که خودشان در حمله اسرائیل به لبنان شرکت داشته اند و اینکه چه نفعی از این کار می برند، من اطلاعی ندارم.

از سوی دیگر، طبیعتاً سوریه نیز - که جناح دیگر قضیه می باشد - به نظر می رسد که در جریان این امر قرار گرفته است. به خصوص که، از ناحیه شوروی به آنها اطمینان داده شده، که اسرائیل کاری به سوریه ندارد و قصدش نابودی ساف می باشد. سوریه پیش از حمله اسرائیل، نیروهای خود را از صور و صیدا، تخلیه کرده بود. از نگاه سوریه، این موضعگیری طبیعی است؛ زیرا، این کشور حدود ۹۰ لشکر دارد که نیمی از آنها زرهی است و درگیری سوریه با اسرائیل به مفهوم ضربه دیدن این لشکرها خواهد بود و در چنین حالتی دفاع در برابر حمله احتمالی اسرائیل غیرممکن خواهد بود.

شهید باقری:

**عراق در این جنگ به لحاظ طرح‌های ایزدایی، در حفظ و نگهداری خطوط دفاعی خود تلاش فراوانی نشان داده و حتی دست هیتلر و موسولینی را نیز در این زمینه از پشت بسته است؛ از جمله این خطوط دفاعی، می‌توان نهرهای عبید و سابل و مینهای شمال غربی بستان و با طرح دفاعی خرمشهر و غیره را نام برد**

عملیات؛ دوم: تقسیم نیروهای کیفی و رزمی خوب در نقاط حساس؛ و سوم: امکانات مهندسی و مکانیزه.

#### موقعیت یگانهای قرارگاه نصر در عملیات رمضان

از پاسگاه زید تا ۵۰۰ متر به سمت جنوب، ۱۷ قم؛ ۹۰۰ متر، عاشورا؛ ۸۰۰ متر ولیعصر؛ ۳ کیلومتر امام حسین؛ ۳۴۰۰ متر کربلا. کل خط قرارگاه نصر ۸۶۰۰ متر، می‌باشد.

#### جلسه قرارگاه کربلا در قرارگاه نصر، ۶۱۴/۲۵

(۱) زمان درگیری، شروع حرکت، ساعت ۸ شب؛  
(۲) نگهداری زمینی؛

الف: پاکسازی منطقه تیپهای امام حسین (ع) و کربلا؛

ب: زمان احداث خاکریز، بعد از ساعت یک بامداد باشد؛

ج: ادامه تلاش برای تأمین زدن خاکریز (از هر تیپ یک گردان).

(۳) احداث خاکریز برای تیپ‌های امام حسین (ع) و کربلا.

(۴) به کارگیری قرارگاه نصر ۴ در جناح چپ.

برادر رشید: با توجه به اهمیت خط پدافندی سمت راست و مناطق تیپهای ۱۷ قم و عاشورا، این دو تیپ با هم الحاق کنند.

#### درگیری یگانهای قرارگاه نصر

در ساعت ۱۱:۱۰ سمت راست تیپ ۱۷ قم درگیر شده و سمت چپ آن در حال داخل شدن به شلمچه است.

ساعت ۱۱:۰۰، سمت راست نصر ۱ شدیداً درگیر شده و

سمت چپ آن نیز در حال پیشروی است. ساعت ۱۰:۰۰،

سمت راست نصر ۲ با پیاده دشمن درگیر شده و در سمت

چپ آن نیز درگیری بیشتر است. ساعت ۱۱:۲۰، بهشتی از ۱۷

قم در سمت راست درگیر شده، بهشتی ۲ به خط حد تعیین

شده رسیده و بهشتی ۳ نیز، هنوز درگیر است. در ساعت

۱۱:۲۵، ۱۷ قم به مثلثی رسیده است.

استراق سمع: تیپ ۶ زرهی عراق در مقابل نصر ۲ قرار گرفته و نصر ۲، در جناح چپ شدیداً درگیر است و احتیاج به کمک دارد. در محور تیپ امام حسین (ع) تانکهای عراقی به سمت راست فرار می‌کنند.

#### تجزیه و تحلیل عدم موفقیت عملیات رمضان

دلایلی که برای عدم موفقیت عملیات ۶۱۴/۲۵ می‌توان برشمرد، عبارتند از:

(۱) توجیه نشدن کامل فرمانده گردانها و گروهانها و مسئولین دسته‌ها؛

(۲) فقدان نقاط برجسته طبیعی [برای عملیات]، باعث تراکم راه کارها در یک نقطه شده بود؛

(۳) لشکرها در رابطه با طرحهایی که از سوی تیپها ارائه می‌شد ضعیف برخورد می‌کردند و بین تیپها نیز ناهماهنگی وجود داشت.

(۴) گزارشهای اشتباهی که از سوی فرمانده گردانها و تیپها داده می‌شد؛

(۵) قطع ارتباطات بین گروهانها، گردانها و نیز قطع ارتباط بین تیپ و لشکر؛

(۶) ضعف آمادگی گردانهای عملیاتی؛

(۷) برخورد سست مسئولین تیپها، در رابطه با عملیاتهای مکرر؛ و

(۸) عدم وحدت سپاه و ارتش.

در ساعت ۲۱:۱۵، نیروهای تیپ ۱۷ قم از خط مقدم حرکت

کردند. علیرغم شناسایی‌های انجام شده، در ظهر روز ۶۱۳/۲۵

، تا مثلثی خبری از دشمن نبود، اما بعد از ۲/۵ کیلومتر، نیروها با

دشمن درگیر می‌شوند. ۱۵ نفر آر.پی. جی زنها و کمکهایشان



شهید باقری:

**در صورتی که موفق شویم به شمال شط العرب برسیم، عراق  
مجبور است برای جلوگیری از شورش در بصره،  
اهالی این شهر را کوچ دهد و یک میلیون آواره جنگی برای  
خودش درست کند؛ به خصوص که مردم این آوارگی را از  
سوی صدام خواهند دید و به طور طبیعی از او خواهند پرسید:  
که چرا جنگ را شروع کرد و نتوانست ادامه دهد؟**

هنوز باقی مانده و ۱۷ قم می گفت: منهدم شده است و در حالیکه نیروی دشمن هنوز در جنوب غربی مثالی حضور داشت، اینها در منطقه توجیه نبودند.

- در یک محور، تراکم شدید نیرو بوده، در حالیکه عرض نیروی مهاجم تیپ عاشورا بیش از ۵۰۰ متر نبوده است. محور سمت راست ۳۰۰ متر شمال جاده و محور سمت چپ نیز ۲۰۰ متر زیر جاده را شامل می شود.

- دشمن از خود مقاومت شدیدی نشان داد و با آتش، عقب نشینی می کرد. ارتباط نیز قطع شده بود. مخابرات رفته بی سیم را عوض کند اما بعد از پیشروی سنگر باکری را پیدا نکرده است.

#### **تیپ ولیعصر**

خط حد ما از ۲۲۰۰-۴۴۰۰ متر بوده است. گردان شهدا در کنار پاسگاه زید پیاده شده است و تا به خط حد خودش رسید ساعت ۱۰ شد. ساعت ۲۱:۱۵، گردان نور از خط حرکت می کند و بعد از طی کردن ۴ کیلومتر پخش می شوند و زمین گیر می شوند و پس از اینکه، فشار دشمن کم می شود جلو میروند. اما پس از آن، عنصر اطلاعاتی برای اینکه زودتر به خط حد ما و عاشورا برسد، نیرو را جامی گذارد و می رود و نیروها نیز گم می شوند و آنها هیچ وسیله ای در اختیار نداشتند تا بتوانند وضعیت شان را اعلام کنند.

در جناح چپ نیز، گردان شهدا پس از ۴ کیلومتر پیشروی پخش می شود و گردان میثم پشت سر آن می رود و خوب هم می رود ولی در وسط [نیروهای خودی و دشمن] می ماند فرمانده لشکر به فرمانده تیپ می گوید: گردان به سرعت عقب نشینی کند، اما کوسه چی جواب می دهد که، خود گردان گفته می تواند بایستد.

که به داخل مثلث اول رفتند، همگی شهید شدند و از جناح غربی مثلث، آتش سنگینی روی افراد اجرا شد. نیمه شب گفتند، جناح چپ ما خاکریز احداث می کند که فاصله را ۶۰۰ متر تخمین زده بودند، اما هنگام روز مشخص شد که فاصله ۷۵ کیلومتر بوده است و بین ما و تیپ عاشورا شکاف افتاده بود که این مسأله باعث شد نیروهای ما از پشت مورد اصابت تیر مستقیم قرار بگیرند و تانک ارتش نیز منهدم شد، اما نیروها حاضر به عقب نشینی نبودند. فعلاً دو گردان نیرو در خط است که این تعداد کم است. محور یک تلفات نداشت و محورهای دو و سه، تلفاتی داشتند. تعداد ده تانک خودی نیز هدف قرار گرفت. بعد از ظهر دیروز، دشمن با هدایت هلی کوپتر در غرب مثلث نیرو مستقر کرد. مثلث جنوبی در حمله تیپ ۱۷ قم اشغال شده بود و به سمت غرب پدافند می کرد.

#### **تیپ عاشورا**

باکری درباره مسئله خط حد گفت که خط حد جنوبی آنها جاده پاسگاه زید می باشد در حالی که، در خط حدی که تعیین شده بود ۲۰۰۰ متر از پاسگاه زید مربوط به نصر ۱ و ۲۰۰۰ متر نیز مربوط به نصر ۲ بوده است. البته، رئوفی می گفت: ما ۲۲۰۰ متر از سمت چپ و راستمان را علامت زدیم و با گرا حرکت کرده ایم.

محور کلیه نیروهای [تیپ عاشورا] جاده خاکی بوده است. نیروها در حدود ۳/۵ کیلومتر با دشمن درگیر شده اند. با توجه به اینکه، جناح چپ مربوط به تیپ دزفول بود ما فقط در سمت راست جاده درگیر شدیم و دشمن در سمت چپ جاده باقی ماند.

در یک تا دو کیلومتری جنوب شرقی مثالی، نیرویی از دشمن وجود داشت که تیپ عاشورا عقیده داشت این نیرو

۳) اطلاعات داده شده اشتباه بوده و مثلثی اول پاکسازی نشده بود؛

۴) توجیه شدن مسئولین مهندسی برای عملیات؛

۵) باید پیش بینی کنیم اگر به هدف نرسیدیم در کجا خاکریز بزنیم؛

۶) تأمین نیروی پوششی برای واحد مهندسی مسئله اصلی است، نیروهای ما خاکریز می زنند ولی نیرویی پشت خاکریزها مستقر نمی شود.

#### مشکل هدایت عملیات

برای هدایت عملیات، ما باید واحدهای طرح و برنامه را در گردانها ایجاد کنیم و به آنها آموزش دهیم که اولاً با قطب نما، مدام جهت خود را مشخص کنند و مسافتی را که رفته اند گزارش کنند، همچنین، تغییر جهت ها را گزارش کنند. ثانیاً، تعیین موقعیت، با گلوله های منور توپخانه را تمرین کنیم. ثالثاً، شکستن مقاومت های موضعی دشمن، باید تمرین شود.

#### پیشنهادات لازم برای ادامه عملیات و سازمان رزمی

- ۱) واگذاری تیپ ولیعصر به قرارگاه قدس؛
  - ۲) مسئله تیپ ۱۷ قم؛ و
  - ۳) تعویض محل تیپ دزفول با تیپ حضرت رسول.
- ۶۰ درصد وسایل زرهی ما خراب بوده، ۱۰ درصد آنها منهدم شده و انهدامی ۳۰ درصد سالم مانده است.

#### جلسه با لشکرهای نصر، فجر و فتح راجع به، مناطق در

##### تیپها و لشکرها، ۱۳۶۱/۵/۱۵

- رابطه تشکیلاتی واحدهای منطقه ای با لشکرها چگونه است؟

- مسئله تدارکات و کانال آن مشخص نیست؛

- ضمانت اجرایی، این دستورالعملها چیست و پیگیری آنها چگونه باید صورت می گیرد؟

- تأمین نیروهای مورد نیاز لشکرها را چه کسی تعهد می کند؟  
**ردانی پور:** در مناطق، پاسداری یک کار ثابت و درازمدت شده و آنها آمادگی انجام کارهای نوسان دار را ندارند و به فکر رشد خودشان نیستند.

- نکته دیگر، مسئله تدارکات است که کانال آن برای هر کدام از تیپها، باید از منطقه خودشان باشد.

- ضعف آموزش در نیروها دیده می شود.

- شورای ملی مناطق، هر دو ماه یکبار در منطقه جنگی تشکیل شود.

- برای جذب نیرو و برای سپاه، جبهه بهترین جا است.

**برادر جعفری:** لازم است، مناطق نیروی با کیفیت به جنگ

#### جلسه مشترک فرماندهان تیپ های ارتش و سپاه

درباره حمله ۶/۴/۲۵ ساعت ۲۰:۲۰

سرهنگ [حسنی] سعیدی:

۱) ضعف هماهنگی، بین فرماندهان سپاه و ارتش در رده تیپ و گردان وجود دارد؛

۲) حملات حالت تکراری پیدا کرده و [نیروها] توجه نمی کنند؛

۳) گزارشهای نادرست تیپها به لشکر باعث می شود که فرماندهان تیپ های ارتش و سپاه دو خیر جداگانه دریافت کنند؛

۴) مسئله مهندسی؛

۵) عدم استفاده از نیروهای احتیاط که در عقب وجود داشت؛

۶) یگانها به موقع حرکت نکردند؛ و

۷) وجود ناهماهنگی بین گردانها و تیپ ها.

#### جلسه مشترک قرارگاههای چهارگانه سپاه و ارتش در

قرارگاه کربلا، ۶/۴/۲۵

تعداد اسرا دوازده نفر است و یک سرهنگ ۲ بین آنهاست که فرمانده یک گردان از تیپ ۵۰۴ پیاده بوده است.

#### گزارش اطلاعات عملیات قرارگاه کربلا

۱) از نظر فرماندهی، دشمن از ساعت ۲۴ یا نیمساعت پس از آن، توانست خود را پیدا کند و واحدهایش را کنترل نماید.

نظر مهندسی در رابطه عملیات اخیر

۱) وسایل مهندسی زیر نظر لشکرها و تیپ هاست؛

۲) قرار بود، کل خاکریزی را که باید احداث شود، اطلاعات مشخص کند که اینکار انجام نشده است؛

بفرستند.

- با نیرو با قاطعیت برخورد شود و گفته شود که باید دائمی باشد.

**بزرگ‌زاده:** مناطق به سه بخش تأمین نیرو، آموزش و ... تقسیم شود.

**برادر رحیم [صفوی]:** برای فرماندهان مناطق، جنگ مسئله اصلی نیست و با آن برخورد فعالی نمی‌کنند. با سفارشات فرمانده کل سپاه، باید فرماندهان مناطق، برخورد بسیار سازنده‌ای با جنگ داشته باشند.

- واحدهای هر منطقه، باید تأمین کننده واحد مربوطه تیپ خودشان باشد.

- ارزش دادن به بسیج آموزشی.

- باید به فکر جذب نیرو بود، حتی باید پذیرش سپاه در مورد تیپها و لشکرها را از بقیه واحدها جدا کرد.

- باید بفکر تربیت فرمانده گروهان و گردان یا کادر باشیم.

- ستاد مرکزی سپاه نیز باید تقویت شود، تا آنها نیز بتوانند مناطق را به فعالیت و تحرک وادار کنند.

### نقاط ضعف و قوت نیروهای خودی و دشمن

خداوند تبارک و تعالی در قرآن کریم می‌فرماید: هر نیکی که به شمار رسید آن را از جانب خدای متعال بدانید و هر بدی گریبانگیرتان شد آن را از نفس خودتان بدانید. این حالت در عملیتهای مختلف رزمندگان اسلام به دو صورت، وجود داشته است: اگر عملیات با موفقیت توأم بود، اظهار خرسندی و شکر به درگاه حضرت احدیت و تمجید مسئولین و مردم و گاه تذکرات امام امت را که خط آینده را گوشزد می‌کردند، به دنبال داشته است. در حالت دوم، کسانی که دنبال این موضوع می‌رفتند که آیا در جزئیات طرح حمله ایراداتی وجود داشته؟ یا نه؟ آیا طرح، آنگونه که در نظر گرفته شده، پیاده شده یا به صورت دیگری عوض شده و آن طرح جایگزین موفق از کار در آمده است و در این پیروزی کدامیک از عوامل آموزش، توجیه، سرعت عمل، تاکتیک و طرح موثر بوده است؟

### مطالبی که باید به برادران اطلاعات عملیات گفته

شود:

(۱) اهمیت مسئله شناسایی؛

(۲) اهمیت منابع محلی؛

(۳) از قبل به مناطق نوشته شود، برای چه کاری نیرو می‌خواهیم تا به خود برادران تفهیم شود؛

(۴) اهمیت بایگانی و تجزیه و تحلیل؛ و

(۵) آموزش را باید به منطقه جنگی منتقل کنیم.

### جلسه فرماندهان مناطق، شورای مناطق، شورای

#### عالی سپاه و مسئولین قرارگاههای لشکری

برادر محسن ارضایی: علت اصلی تشکیل این جلسه بسیج کردن سپاه، برای ادامه عملیاتی است که در پیش داریم و به عنوان مقدمه، مطالبی را خدمت دوستان عرض می‌کنم.

قبل از انقلاب هر فرد انقلابی، نوک پیکان انقلاب را، مبارزه با رژیم می‌دانست و اینکار را به هر شکلی انجام میدادیم. پس از سقوط رژیم، با ساختن یک نظام اسلامی مواجه شدیم، که آمادگی کامل آن را نداشتیم و فکر نمی‌کردیم ادامه مبارزه با امریکا به مبارزه با مجاهدین [منافقین] و جنگ و مسأله کردستان کشیده شود. فعلاً دو نکته مطرح است، یکی اینکه مبارزه با ضدانقلاب، پایانی ندارد و ادامه خواهد داشت و نکته دوم نیز، ساختن حکومت اسلامی و تکمیل آن است.

در سپاه همه افراد توجه نیستند که کاری که می‌کنند، آیا در رابطه با تشکیل حکومت اسلامی است یا هدفهای قشری و موقت دارد؟ و واحدهای سپاه کاری با میدان عمل ندارند یا احتیاجی به این کار نمی‌بینند.

سپاه باید در دو بخش آماده‌سازی و میدان عمل یا به صورت مقدمه و عمل کار کند.

شروع کار سپاه، با تعیین اهداف اولیه و تربیت کادر و سازماندهی مشخص همراه نبود و ماهه آنها را حل شده پشت سر گذاشتیم و هر لحظه امکان انفجار در این زمینه وجود دارد.

اگر احساس می‌کردیم که باید جنگ را سریع‌تر حل کنیم، امروز آن سرعت بیشتر شده و دیگر زمان نداریم که عملیات را تعطیل کنیم و برویم سپاه را از نو بسازیم و برگردیم، جنگ را ادامه دهیم و امروز امریکا روی ما سرمایه‌گذاری بیشتری خواهد کرد.

امروز، در شرح وظایف سپاه، دو موضوع مشخص وجود دارد:

الف) مبارزه با ضدانقلاب، (۲) کمک به ارتش در جنگ خارجی.

درست است که ما نیز می‌خواهیم تبلیغات و برخورد سیاسی داشته باشیم، اما عکس‌العمل سیاسی و تبلیغات حکومت اسلامی، وظیفه سپاه نیست.

فعلاً برای انجام این وظائف، یک قرارگاه در جنوب (قرارگاه کربلا)، یک قرارگاه در غرب (قرارگاه حمزه)، قرارگاهی در شمال برای مبارزه با افراد ضدانقلاب در جنگل، قرارگاهی در تهران و قرارگاه نیز در منطقه سیستان و بلوچستان داریم.

از کارهایی که داریم یکی این است که، سپاه در رابطه با



شورای انقلاب، به دادستانی کل انقلاب واگذار شد و سپس بخشی از دادستانی انقلاب در سپاه مستقر شد. تقسیم بندی جرائم موجود عبارت است از:

۱) جرائم فحشایی، ۲) جرائم حین مأموریت، ۳) جرائم سوء استفاده از موقعیت و ۴) تلفات نظامی و انتظامی.

در قانون اساسی رسیدگی به جرائم نظامی و انتظامی به عهده دادستانی گذاشته شده (اصل ۱۷۴) و بر آن تصریح شده است و فعلاً سه نوع جرائم دیگر را به عنوان یک بخش از دادستانی کل انقلاب انجام می دهد. گزارش کردن جرائم نظامی و غیر نظامی، وظیفه شرعی است.

### گزارشی از حمله موشکی عراق به جزیره خارک

پس از اصابت دو فروند موشک در ساعت ۱۹:۳۰ به جزیره خارک، که از بصره پرتاب شده بود. سرهنگ خرسندی، از تهران آمد و این موضوع را طرح کرد، که دولت این سؤال را دارد، آیا در آینده می توان عملیاتی انجام داد که موضع ما را از نظر سیاسی قویتر کند و یا الان موضع ما قویترین موضع است؟

در جلسه، سرهنگ قویدل، محمدزاده و صدوری بودند و نوابی و جانگاز نیز دیرتر آمدند، از سپاه هم رشید، باقری و کاظمی حاضر بودند.

به طور کلی، با طرح چنین سؤالات بدون مقدمه ای در این جمع، توسط کسی که با روحیات اخیر از نزدیک برخورد داشته، سخت مخالف بودم به خصوص که رشید نیز، اطلاعاتی را که ارائه داد درست نبود و سوم اینکه فرمانده نزاجا و فرمانده کل سپاه در جریان همه این واقعیتها قرار داشتند.

برادر رشید: همه میدانیم که علت پیروزی ما از لحاظ ظاهری نیروی پیاده و انسانی بوده و فکر می کنم اگر یکماه زمان داشته باشیم و بتوانیم حدود ۷۰ الی ۸۰ هزار نفر نیرو بسیج کنیم، می توانیم مانور احاطه ای مطرح شده را عملی کنیم. منتهی برای ایجاد تحرک، باید بتوانیم ۲۰۰ تانک و ۲۰۰ نفر برآمده کنیم.

سرهنگ قویدل: نیروی پیاده ای را که برادر رشید گفتند قبول دارم، اما تانک و نفربر باید حداقل به اندازه تانک و نفربرهای دشمن داشته باشیم (دشمن ۱۱۰۰ تانک و نفربر در منطقه دارد).

بزرگراه: ما به دو ماه زمان برای بازسازی نیروهای کادر فرماندهی گردان و گروهان در سپاه احتیاج داریم، چون ۱۶ ماه کادر سازی کرده ایم و در ۸ ماه آن را از دست دادیم. اما، فعلاً در موضعی هستیم که از نظر امکانات و موجودیها می توانیم مرحله اول عملیات که رسیدن به کانال است انجام دهیم.

مسئولیت خودش باید فعال شود. وظیفه سپاه که کادر سازی و تربیت طلبه نمی باشد و حق هم ندارد چنین کاری را بکند، وظایف سپاه در دو مسأله خلاصه می شود: ۱- شرکت فعال در مسئله جنگ ۲- آماده سازی سپاه و رساندن آن به میدان نبرد.

پس از آن مسئولین مناطق صحبت کردند. نخست برادر شجاعی، نظر خود را بیان کرد: ۱) ضعف آموزش نیروها، ۲) کمبود نیرو، ۳) مشخص نبودن تدارکات، ۴) عدم استفاده از امکانات کشور، ۵) تثبیت تیپها، ۶) مرخصی دادن به نیروها و غیره.

سپس، برادر عبدالوهاب موارد زیر را به عنوان مشکلات موجود برشمرد:

- به مناطق وعده می دهند که تیپ تشکیل دهید، در آینده بدردتان می خورد. در حالیکه بعد از سقوط عراق ما به تیپهای جدیدی نیز احتیاج داریم.

- باید وابستگی به ابزارهایی چون بولدزر را باید از بین ببریم و این روحیه را در رزمندگان ایجاد کنیم که حتی با دست خالی، خاکریز بزنند.

- ضعف معنویت؛ که ما قرار گذاشتیم از ائمه جمعه استفاده کنیم.

- ترتیبی داده شود، رابطه ستادهای مختلفی که در حال تشکیل است، مشخص شود.

- از ستاد هر منطقه، یک نفر در تیپ حضور داشته باشد تا به تیپ اهمیت داده شود.

- جهت سازماندهی گردانها و نیروهای تکمیلی، ارتباط قوی بین واحد آموزش تیپ و منطقه ایجاد شود تا سازماندهیها به هم نخورد.

### برادر مهولی:

امکانات تدارکاتی، در تیپهای مختلف به صورت عادلانه تقسیم شود،

- صحبتهای برادر محسن [رضایی]، تدوین شود و به صورت دستورالعمل به همه مناطق ارسال شود و اجرا گردد،

- آموزش، احتیاجات آموزشی جبهه را تدوین کند و به مناطق ابلاغ کند.

- هر منطقه، روحانیون تیپ خودشان را تأمین کنند،

- دادستانی، تخلفات را با جدیت پی گیری کند.

**فضائلی:** ستاد منطقه، تازه تشکیل شده است و مشکل حفاظتی داریم. برای مناطقی که احتیاج به حضور طولانی نیروها وجود دارد، از نظام وظیفه استفاده کنیم. نمونه هایی از فساد اخلاقی در جبهه مشاهده شده که می تواند مشکل ساز باشد. لذا، برای مقابله با این معضل، باید از برادران روحانی استفاده شود.

**برادر حقی:** رسیدگی به جرائم افراد پاسدار، طبق مصوبه

سرهنگ محمدزاده: انجام مرحله اول عملیات، باعث ایجاد ترس بیشتری در نزد عراقیها نخواهد شد.

صحبت با برادر تولایی

تاکنون ۸ موشک به داخل جزیره شلیک شده، اما نوع آن هنوز مشخص نشده است و ۱۴ موشک هم تاکنون داخل آب اصابت کرده است.

حرکت موشکها، افقی و همسطح دریاست و تاکنون تلفات مهمی وارد نکرده بود.

با اصرار وزارت نفت، یک ناو بین خارک و بویان به گشت زنی می پردازد. نداجا (نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران) می گوید: خارک، بهبهان و فارس را زیر پوشش رادار دارد ولی ما معتقدیم که نقاط کور راداری وجود دارد.

ما تا عمق ۷۰ کیلومتری در دریا، چاه نفت و تأسیسات داریم که گاه موشک از سطح افقی به سه متری لوله عمودی نفت اصابت کرده است و تشخیص این بوده که موشک افقی و همسطح دریا اصابت کرده است.

آرژانتین در جنگ ۸۱ فالکلند، یک موشک هوا به زمین به اولین کشتی انگلیسی زد که از فاصله ۲۵ مایلی شلیک شده که فرانسوی بوده و گزارش آن در تایم سه ماه پیش نوشته شده است.

#### برادر خیاطان: خارک ۱۳۶۱/۵/۲۹

حدود ۸ مورد حمله موشکی داشته ایم که در اوایل، فاصله زمانی آنها زیاد بود؛ اما به ترتیب فاصله ها کم شد تا اینکه، یک ماه پیش سه روزی در پی مورد اصابت موشک قرار گرفتیم و موشکها اکثراً به آب اصابت کردند.

یک ماه پیش نیز، ۴ فروند هواپیمای عراقی توانستند به حریم جزیره وارد شوند و بمباران کردند و توپ یکی از هواپیماها باعث ایجاد آتش سوزی در اسکله شرقی شد. روش نفوذ هواپیماها از سمت شمال و داخل خود ایران بود (گناوه). از یکماه پیش دیگر مسئله ای نداشتیم تا حادثه اخیر که همه اظهار می دارند اول انفجار مهیبی صورت گرفته و نور شدیدی پخش شده، اما کسی متوجه هواپیما یا صدای آن نشده است.

پس از حادثه، بارگیری کشتیهایی را که در حال بارگیری بودند متوقف کردیم و بعد از مدتی، بارگیری مجدداً ادامه پیدا کرد. عراق، دیروز در رادیوی کشتیه اعلام کرد که ما در مختصاتی که به جزیره خارک مربوط می شود عملیات داریم و کشتیها دور شوند و ساعت ۳:۳۰ نیمه شب، صدای انفجاری در دریا شنیده شد. همچنین لرزش انفجاری در گناوه، که ۴۰ کیلومتری خارک است گزارش شده و همین لرزش در ۹۰ کیلومتر به سمت عربستان نیز گزارش شده است. موشکها تقریباً همانند موشکهای قبلی بوده است و از دقت زیادی

بر خوردار نیست.

چاههای نفت: یک سری چاههای نفتی هست که دارای چهار پایه برای حفظ سکو هستند و در وسط آن یک لوله عمود بر سطح زمین قرار دارد که لوله اصلی نفت می باشد. چند مورد مشاهده شده که در ارتفاع ۳ متر از سطح دریا این لوله ها مورد هدف قرار گرفته است. این مسئله مهم است چرا که به جای تمام پایه ها، تنها لوله نفت چاه هدف قرار گرفته است. تاکنون سه سکو بدین صورت، مورد حمله واقع شده، که احتمال دارد این حمله با آرپی جی و یا نارنجک تخم مرغی صورت گرفته باشد.

یکی از اشکالات مهم، تردهایی بوده که به طور قاچاق به کویت و غیره صورت می گیرد. فعلاً والفهای اسکله تی سوخته، اما بقیه اسکله ها فعال هستند.

موردی را که پیش از این هدف حمله موشکی قرار گرفته بود باز دید کردیم، تانکها عمدتاً از پهلو مورد اصابت قرار گرفته اند و یک دوم از آنها نیز از سمت بالا مورد اصابت قرار گرفته اند. یک تانک که در روز قدس مورد حمله واقع شده، بیش از ۲۵۰ هزار بشکه نفت داشته و از زاویه حدود ۲۸۰ الی ۲۸۵ درجه مورد هدف قرار گرفته است و ترکشها از حدود زاویه ۱۳۰ الی ۱۵۰ درجه از سمت مقابل بیرون رفته بود. مورد ۴۸ ساعت گذشته نیز از همین زاویه هدف حمله قرار گرفته بود و موشک دیگر نیز به دریا اصابت کرده بود، اما به علت حرارت شدید، تانک غربی آن نیز مشتعل شده بود. تانکها بسیار نزدیک به هم می باشند و به نظر می رسد نباید همه آنها پیر باشند.

#### تجزیه و تحلیل برای تصمیم گیری، ۱۳۶۱/۶/۱۸

برادر محسن [رضایی]: سوالات ذیل مطرح است:

- ۱) آیا بالاخره ما می خواهیم در بصره عمل کنیم یا خیر؟
  - ۲) در شرایط فعلی، آیا ما در غرب به صورت متمرکز عمل کنیم و یا در فکه و غرب، هم زمان عمل کنیم.
- دو حالت وجود دارد که آیا عراق به جنگ ادامه می دهد و یا تسلیم می شود؟ شواهدی وجود دارد که جنگ ادامه خواهد یافت. از جمله این شواهد این است که، امریکا سرمایه زیادی روی بنی صدر، منافقین، کردستان و جنگ صرف کرده اما نتیجه مطلوبی نداده و خطر جمهوری اسلامی برای امریکا بیشتر شده است؛ لذا، امریکا این درگیری را باید ادامه دهد و یا جبهه جدیدی را بگشاید. ترکیه که خودش توسط نظامیها اداره می شود و مشکلات خاص خودش را دارد. پاکستان نیز با توجه به داشتن ۳۰ الی ۶۰ میلیون شیعه نمی تواند به عنوان تلاش اصلی وارد درگیری شود. نقطه استراتژیک عمده ای نیز در مقابل پاکستان وجود ندارد. اما سازمان ارتش عراق

۲) تهدید جناح چپ پس از انجام عملیات و لزوم احداث خاکریز از پلائیة جدید تا خاکریز،  
۳) در صورت وارد شدن تلفات زیاد، عملیات آینده با وقفه روبه رو خواهد شد،  
۴) طولانی شدن خط پدافندی به طول ۲۰ کیلومتر (در عملیات ۶۰ گردان لازم است) و  
۵) اگر مأموریت اصلی قرارگاه کربلا به قوت خود باقیست اینگونه عملیاتها فایده ای ندارد.

برادر رحیم [صفوی]: نظرات سپاه را گفت.  
برادر محسن دانایی فر: نزدیکی به دشمن را به عنوان حسن عملیات مطرح کرد.

برادر غلامپور: با بررسی و شناسایی هایی که انجام شده به این نتیجه رسیدیم که عملیات در جنوب کوشک به دلایل زیر بهتر از منطقه پلائیة است:

۱) شناسایی مادر منطقه جنوب کوشک بهتر و بیشتر است؛  
۲) اهمیت منطقه کوشک برای دشمنو  
۳) کوتاه شدن خط پدافندی.

سرهنگ قویدل: مامی خواهیم عراق نیروی اصلی اش را ببرد و سپس ما ضربه اصلی را وارد کنیم، اما شما می خواهید دشمن را نگهدارید.

سرهنگ شیرازی: من می خواهم ارزشها را به وحدت برسانم و اینکه اگر محاسنی را می گوئیم ارزشها را مشخصاً ذکر کنیم. برای اینکه حمله را از بصره به علت ضعف توان و استحکامات زیاد، به غرب منتقل کنیم، این تک به آموزش نفرات بسیار متکی است. مطالبی که درباره این عملیات می توان گفت به شرح زیر است:

۱) تأثیر، سیاسی است نه اقتصادی؛  
۲) اگر نیروهای بسیج و سپاه نمی مانند با چه نیرویی

هنوز، باقیمانده است.

در مورد عراق ما باید فشار زیادی روی عراق بیاوریم یا باید خود بصره و صفوان را هم بگیریم که این فشار، پنجاه درصد است و تنها در سمت بغداد، فشار صد درصد است. برادر رحیم [صفوی]: ما باید در بصره عمل کنیم و حداقل به کناره شط برسیم البته باید روی عبور از شط هم کار کنیم چرا که این اقدام، از نظر اقتصادی هم برای دشمن ضرر دارد.

### جلسه با برادران رحیم [صفوی]، مجید بقایی، حسن [باقری]، حمید [باکری] راجع به طرح عملیات در منطقه پلائیة (۱۳۶۱/۶/۲۰)

#### محاسن عملیات

۱) انهدام دشمن؛ ۲) ادامه تمرکز نیروی دشمن؛ ۳) تأثیر سیاسی اجرای عملیات در مناطق نفتی، ۴) جلوگیری از تهدیدات آینده (مستقیم شدن خط)؛ ۵) استفاده از نیروهای موجود؛

#### معایب عملیات

۱) تک به صورت جبهه ایست؛ ۲) قوای دشمن در جهت راه کار آینده عملیات متمرکز خواهند شد و ۳) اضافه شدن خط پدافندی؛ ۴) ضعف اطمینان از موفقیت عملیات.

### جلسه مشترک با ارتش ساعت ۲۲:۰۰

#### سرهنگ قویدل:

#### محاسن عملیات:

۱) انهدام یک لشکر مهنا؛ ۲) تأثیر سیاسی عملیات در منطقه چاههای نفت

#### معایب عملیات:

۱) بسته شدن راه کار اصلی آینده، مگر اینکه راه کار اصلی در کمتر از دو هفته انجام شود،



## جلسه با فرمانده کل سپاه ۱۳۶۱/۶/۲۹

جلسه با فرمانده کل سپاه

مقاله ادوارد کندی در مورد اینکه در ماههای اخیر مسئله لبنان سیاست خارجی امریکا را به خود مشغول کرده، اما امریکا در خاورمیانه به ثبات بیشتری در منطقه خلیج فارس نیاز دارد هر چند که امریکا ۵ درصد از نفت خود را اکنون از خلیج فارس تأمین می کند، اما اروپای غربی و ژاپن بیش از پنجاه درصد نفت خود را از خلیج تأمین می کنند و طبق قرارداد انرژی بین امریکا و اروپا و ژاپن در ۱۹۷۴، این موضوع به ضرر امریکا است. همچنین وی مسئله فروش جت و هواپیمای حمل و نقل نظامی به عراق را توسط جمهوری خواهان تخطئه می کند و می گوید عراق هنوز تندرو می باشد هر چند که روابطش با شوروی به سردی گراییده است. وی، تهدید ایران را برای کشورهای منطقه شدید می داند و نفوذ بیشتر به داخل عراق را پس از سردی فعلی در جنگ مطرح می کند و می گوید: چنانچه اگر عراق در جنگ شکست بخورد امریکا باید آشکارا به عراق کمک کند.

وی ادامه می دهد: تقسیم ایران به نفع شوروی است و از سوی دیگر برقراری روابط بین امریکا و تهران در آینده نزدیک متصور نیست. و ما نمی توانیم این موضوع را نیز به تهران اثبات کنیم که برای تمامیت ارضی آنها اهمیت قائل هستیم. سپس می گوید اگر ما نمی توانیم با ایران رابطه برقرار کنیم باید ایران توسط کشورهای اسلامی، اروپایی و ژاپن کنترل شود تا در دامن شوروی نیفتد و صدور انقلاب افراطی تندروها به نفع ما نیست و باید در دو سوی خاورمیانه سیاست واحدی حاکم باشد.

برادر محسن: فکر می کنم ما باید با یک عملیات تعیین کننده، فشار مهمی را بر عراق تحمیل کنیم تا شرایط ما را بپذیرد و یا سقوط کند و بنا به دلایلی هنوز منطقه اجرای این عملیات تعیین کننده در بصره است. امکان انجام عملیات در غرب همیشه برای ما وجود خواهد داشت، اما در این فاصله که آماده می شویم برای عملیات در جنوب لازم است که جنگ را ادامه دهیم.

هدفهای استراتژیک آینده عبارت است از: شهر بصره، دهانه فاو، تهدید جاده صفوان برای نزدیکی به کویت و یا محاصره کامل بصره و انهدام نیروی قابل توجهی از دشمن. برای ادامه جنگ در غرب عملیاتی را با اهداف زیر انجام خواهیم داد: (۱) باعث انهدام دشمن شود و اجازه بازسازی را به دشمن ندهد، (۲) از نظر تبلیغات داخلی و خارجی مطلب داشته باشیم و (۳) بازپس گیری ارتفاعات و تحمیل دشت باز به دشمن و به کارگیری نیروهای دشمن. از اینرو، باید در نظر بگیریم که برای عملیات جنوب چه

می خواهید خط را نگهدارید اگر منظور لشکر ۲۱ حمزه است که آن را برای استفاده از موفقیت در غرب پیش بینی کرده ایم؛ (۳) عملکرد در این منطقه و درگیر کردن نیروها طرح اصلی را تقض می کند؛

(۴) نکته ای که دیگران نگفتند مسئله مهمات توپخانه می باشد؛ (۵) در مورد طرح پیشنهادی برادر غلامپور نقطه ایست که در عملیات آینده تأثیر چندانی ندارد و عملکرد کامل خط مرز هم بر ایمن ممکن نیست؛

(۶) با همه موارد فوق با توجه به کیفیت نیروها، تضمینی برای موفقیت عملیات نداریم.

**پیشنهاد:** طرح این عملیات را آماده کنیم و تمرین هم بشود، اگر به این نتیجه رسیدیم که عملیات اصلی در غرب می باشد آنوقت اینجا عمل می کنیم، اگر هم به این نتیجه رسیدیم که باید عملیات اصلی در جنوب انجام گیرد آنوقت چند روز قبل از عملیات اصلی، عمل کنیم و با این عمل از موقعیت استفاده کنیم برای اینکه نیروهای بسیج و سپاه هم خسته نشوند. من تضمین می کنم که بیایید تمرین و مانور عملیتهای مشابه بگذارید و این را عملی کنید تا ببینید آیا کسی خسته خواهد شد و اینرا در نزاجا ما خودمان شروع کرده ایم. در مورد فکه نیز، بررسیها باید مطابق با واقعیت باشد.

طرح دیگری که می توان روی آن کار کرد، عبور از اروند در جزیره مینو و تأمین فاو می باشد که ما می توانیم پل بزنیم و در نتیجه، شرق بصره را نیز تهدید می کنیم.

- راجع به منطقه فکه نیز ۴ روز وقت داده شد تا قرارگاه کربلا نتیجه کار را بررسی کند. همچنین، کانالی به عرض یک کیلومتر و طول ۳ کیلومتر در حال احداث است که نیروها برای عبور از آن تمرین می کنند، واحدی که عبور از آب تمرین می کند آماده بازدید می باشد.

## اهمیت بصره ۱۳۶۱/۶/۲۱

صحبت با سرهنگ سردار:

بصره به خاطر جاهای نفت اهمیت اقتصادی زیادی دارد. اگر بصره تصرف شود فعالیت عراق زیاد خواهد شد؛ زیرا، این اقدام تهدیدی برای عراق و کویت می باشد.

برای تصرف بصره چهار مرحله وجود دارد: ابتدا، انهدام دشمن تا شط؛ عبور از شط؛ محاصره بصره و سپس پاکسازی بصره.

تخریب پلها به واحد مشخصی مربوط است که حساب آن را از قبل می کنند و برای تخریب آماده می شوند ولی صدور اجازه آن با بالاترین فرمانده منطقه است.

- پاسخ: ۲۵ روز.  
- پرسش: زمانی که برای انتقال نیروهای عمل کننده، به جنوب لازم است چقدر است؟  
- پاسخ: نیرویی نداریم که برگردد.  
- پرسش: زمان لازم برای آماده شدن جهت انجام عملیات در جنوب چه قدر است؟  
- پاسخ: عملیاتی نمی توان انجام داد و باید دو لشکر درست کرد بعد عملیات انجام داد.

#### راه کار دوم

در تدبیر دوم، انجام عملیات در غرب برای تأمین گیسکه و نفتخانه مدنظر می باشد.  
- پرسش: نیروهای تک ور که باید در جنوب بمانند و قدرت کیفی آنها را باید بالا برد، چه نیروهایی هستند؟  
- پاسخ: لشکرهای ۲۱، ۷۷ و ۹۲ و تیپ ۴۰ ارتش و تیپهای قدس، فجر و فتح از سپاه.  
- پرسش: نیروهایی که به عنوان پشتیبانی در باختران به عملیات بپردازند کدامند؟  
- پاسخ: لشکر ۱۶ و لشکر نصر سپاه.  
- پرسش: چه مقدار نیروی جدید برای آمادگی کامل عملیات باید جذب شده و سازماندهی گردند؟  
- پاسخ: باید گردانهای سپاه به ۳۷۰ گردان افزایش یابند.  
- پرسش: برآورد زمانی لازم برای تکمیل کمی و کیفی قوا جهت آمادگی برای اجرای عملیات و اینکه لشکر ۱۶ از غرب برگردد، چه قدر است؟  
- پاسخ: از نظر ارتش ۴ ماه وقت لازم است و از نظر سپاه به کار سپاه بستگی دارد.

#### محاسن راهکار اول

(۱) تهدید شهر مندلی؛  
(۲) دستیابی به عوارض حساس منطقه و قطع دید و تیر دشمن بر روی منطقه؛  
(۳) تسهیل انجام عملیات بعدی به سمت بعقوبه؛  
(۴) تأمین نفت شهر، تهدید نفتخانه، تهدید بانمیل و خانقین.  
(۵) حفظ فعالیت یگانها در غرب و اثر آن روی مردم؛ و  
(۶) واداشتن دشمن به گسترش در منطقه.

#### معایب عملیات

(۱) عدم بازیابی آمادگی جهت انجام عملیات اصلی در بصره؛  
(۲) ضعف خط پدافندی در جنوب؛  
(۳) فرسایش نفرات و وسایل؛

مقدار نیرو لازم داریم.  
مجموعه صحبت ها به این نتیجه منتهی شد که چند روز قبل از عملیات خط مرزی را عمل کنیم و در صورت امکان در مقابل پاسگاه زید عمود بر کانال عمل کنیم و موانع دشمن پاکسازی شود و سپس دو تک اصلی یکی به غرب کتیبان و پل وسط و یک تک دیگر نیز از طلائی به سمت نشوه و سپس کتیبان و همزمان یک یا دو تلاش انهدامی برای نیروهای احتیاط صورت بگیرد.  
تیپهای قرارگاه فتح ۲: تیپ حضرت رسول برای تلاش غرب و تیپهای عاشورا و ثارالله برای تلاش پایین و حدود سه چهار تیپ در خط قدس.

#### جلسه مشترک باستاد نزا و قرارگاه غرب و جنوب

در نزا، ۶/۶/۲۹

سر هنگ جمالی: تصمیمات شورا در نزا اجرا که دو تدبیر ذیل بوده است خواند:  
تدبیر یکم: پدافند در جنوب و عملیات گسترده در زینلکش، چوار باغ و تأمین نفتخانه.  
تدبیر دوم: پدافند در جنوب و آماده شدن برای انجام عملیات گسترده در بصره و اجرای عملیات محدود- تسلط بر مندلی و تأمین نفتخانه و یا هر هدف مناسب دیگر.  
- پرسش: حداقل با چه مقدار نیرو می توان در جنوب پدافند کرد و چه مقدار نیرو را می توان منتقل کرد؟  
- پاسخ: لشکرهای ۲۱، ۹۲ و ۷۷ و تیپ ۴۰ سراب برای پدافند و برای انتقال، لشکر ۱۶ و تیپ ۵۵.  
- پرسش: آیا مقدار نیرویی که از جنوب منتقل می شود برای تدبیر اول کافیست؟  
- پاسخ: خیر، برای اهداف تدبیر اول کافی نیست، لازمست یک لشکر پیاده ادغامی به غرب بیاید.  
- پرسش: برآورد وقت لازم برای انتقال نیرو چقدر است؟  
- پاسخ: وقت لازم برای هر لشکر ارتش، با شناسایی و آمادگی عملیاتی، ۴۰ روز است.  
- پرسش: زمان لازم برای تک هماهنگ برای تدبیر اول چه قدر است؟  
- پاسخ: ۸۰ روز برای انتقال دو لشکر و ده روز هم برای هماهنگی، و در مجموع سه ماه وقت لازم است.  
- پرسش: برای پدافند اهداف تأمین شده در غرب چه مقدار نیرو لازم است؟  
- پاسخ: تمام نیروهای ارتشی که در غرب عمل می کنند برای پدافند مورد نیاز است.  
- پرسش: برآورد زمانی انجام عملیات و تأمین پدافند چقدر است؟



- ۴) عدم انهدام نیروهای قابل توجه از دشمن؛
- ۵) جابجایی نیروها از جنوب به غرب و بالعکس به زمان زیادی نیاز دارد؛ و
- ۶) مسئله سرما و کمبود جا در غرب و محدودیت خطوط تدارکاتی به خصوص برای نیروهای سپاه نیز مطرح است.

#### محاسن راهکار دوم

- ۱) وصول به هدف اصلی در بصره؛
- ۲) انهدام قابل توجه نیروهای دشمن؛
- ۳) جلوگیری از فرسایش وسایل؛
- ۴) مطمئن تر بودن خطوط پدافندی جنوب؛ و
- ۵) تأمین نفت شهر و تهدید نفتخانه.

#### بحث اولیه در مورد عملیات در فکه (محرم)

جلسه با فرمانده کل و رحیم [صفوی]، [غلامعلی] [ارشید]، مجید و حسن [باقری]

بین فرمانده نراجا و فرمانده کل سپاه درباره عملیات فکه اختلاف نظر وجود دارد که سرهنگ شیرازی موضوع را به آقایان خامنه‌ای و هاشمی گفته است. شیرازی می‌گوید: ما باید نسبت به بالا بردن کیفیت نیروها اقدام کنیم. محسن: فعلاً ما باید طرح مانور را تعیین کنیم تا بتوانیم حرفمان را بزنیم.

#### معایب راهکار دوم

- ۱) زیر دید و تیر بودن جاده قصر شیرین به نفت شهر؛ و
- ۲) جابجایی بسیار کم نیروهای دشمن از جنوب به غرب و کمتر تهدید شدن خانقین و مندلی.

#### نتیجه: انتخاب راه کار دوم بنا به دلایل زیر:

- ۱) رسیدن به بصره؛
- ۲) انهدام نیروهای مهم دشمن؛
- ۳) زمان کمتر برای شروع تک در جنوب؛
- ۴) فرسایش کمتر وسایل و نفرات؛ و
- ۵) مطمئن تر بودن خطوط پدافندی.

برادر محسن، سوالاتی مطرح شده که باید پاسخ دقیق آنها مشخص شود و همچنین حساب احتمالات را هم بکنیم. اگر هدف اصلی بصره است چرا؟ و دلیل اهمیت بصره چیست؟ آیا عبور از شط هم مطرح است یا نه؟ دیگر اینکه، از ۳۷۰ گردان مورد نیاز، ارتش فقط ۳۰ گردان دارد و بقیه را سپاه باید تأمین کند اما از کجا؟ سپاه یک سال وقت می‌خواهد تا ۳۰ تیپ درست کند.

سرهنگ شیرازی: هدف عبور از بصره می‌باشد و بصره هدف کلی موقتی است زیرا که صدام در بصره نیست.

در مورد برآورد نیرو که ۳۷۰ گردان بوده، نیرویی برای انهدام نیروی وسط (احتیاط) نیز در نظر گرفته شده که می‌توان از آن صرف‌نظر کرد. از طرف دیگر، تاکنون روی آموزش زیاد کار نشده، اگر ما روی آموزش کار کنیم می‌توانیم این ۳۷۰ گردان را به ۲۰۰ گردان تقلیل دهیم.

البته، موسوی قویدل این را قبول نداشت.

#### جلسه با منطقه ۸ و قرارگاه کربلا ۱۳۶۱/۷/۴

مهندس، مسائل خود را مطرح کرد. برادر مرتضایی گفت: ما بیشتر با این مسائل روبه‌رو هستیم. وسایلی که در رابطه با جنگ آمد، مختص قرارگاه کربلاست ولی در رابطه با مکان و وسایلی که از ادارات منطقه و مردم منطقه گرفته شده و امانتی بوده ولی عودت داده نشده منطقه جواگویی این امور



برادر محلی را در سه راه خرمشهر پیشنهاد کرده اند که قرار شد بهداری برود و آنرا دنبال کند.

**جلسه با فرمانده کل، رحیم [صفوی]، غلام علی [رشید]**

**مجید و حسن [باقری] در قرارگاه کربلا مورخه ۱۳۶۱۷/۴**

در مورد جلسه مشترک با ارتش لازم است محاسن و معایب عملیات های غرب (مسلم بن عقیل) و فکه (محرّم) را ذکر کنیم:

#### محاسن:

- (۱) ایجاد یک جبهه جدید؛
- (۲) انهدام نیروی دشمن؛
- (۳) گرم نگهداشتن تبلیغات جنگ و زمینه سازی برای جذب نیروهای جدید؛
- (۴) مجموعاً، عملیات غرب اثر سیاسی دارد؛
- (۵) استفاده از نیروهایی که مأموریتشان پایان یافته؛ و
- (۶) بالا رفتن سطح عملیاتی افراد تیپها.

#### معایب:

- (۱) از دست دادن کادر، نیرو و امکانات؛
- (۲) زمینگیر شدن نیروهای خودی (حد اقل دو تیپ سپاه)؛ و
- (۳) خستگی نیروهای خودی.

#### گزارش از خارک، ۱۳۶۱۵/۳۰

پس از انفجاری که در ساعت ۱۹:۴۰ مورخه ۱۳۶۱۵/۲۸ در جزیره خارک رخ داد و منجر به آتش سوزی گردید، در ساعت ۱۱:۰۰ مورخه ۱۳۶۱۵/۳۰ به جزیره خارک رسیدیم. دود نسبتاً غلیظی با حجم متوسط از وسط جزیره به آسمان بلند بود و با جهت باد به سمت جنوب ادامه پیدا می کرد.

در یک نگاه فوری، جزیره خارک ذو ذنقه ایست که بیشتر به مستطیل شبیه است و عرض آن حدود ۴ کیلومتر و طول آن ۸ کیلومتر می باشد. قسمتی از جزیره، که اسکله ها وجود دارد حدود پانصد الی یک کیلومتر باریکتر از انتهای جزیره می باشد. فاصله جزیره خارک تا بندر گناوه، ۴۵ کیلومتر می باشد. جزیره دارای دو اسکله یکی به نام اسکله تی در جنوب جزیره و دیگر اسکله آذرپاد در شمال جزیره می باشد. اسکله تی مربوط به کشتی های با ظرفیت کم، از حدود پنجاه هزار بشکه الی ۲۰۰ هزار بشکه می باشد و حدود ده بازو برای انتقال نفت دارد و بیشتر از این اسکله استفاده می شود. اسکله آذرپاد مربوط به کشتی های با ظرفیت بالای دویست هزار بشکه می باشد ولی به علت تلاطم زیاد دریا در شمال جزیره، فقط به هنگام آرام بودن دریا قابل بهره برداری و عملیاتی می باشد. تانک فارمهای جزیره در نقطه وسط دو اسکله، در غرب

می باشد. لذا، مایک آمار از امکانات منطقه می خواهیم.

در مورد نیرو، ما نیز یک منطقه مانند ده منطقه دیگر هستیم و جای مهندسی هم در رابطه با منطقه است نه با جنگ. برای منطقه، فراهم کردن چنین جایی سخت است ولی مهندسی کربلا می تواند در بیابان سنگر درست کند.

برادر محسن: ما تشکیلات تیپها را از منطقه جدا کردیم ولی واحدها را جدا نکردیم که اشتباه کردیم. نیروهای منطقه ۸ را باید به خودشان بدهید و این گونه برخورد نکنید و درگیریهای جزئی نداشته باشید. مهندسی رزمی، باید امکانات خود را به مناطق واگذار کند و منطقه ۸ هم باید تشکیلات خود را حفظ کند. آمار وسایل منطقه را تهیه کنید و به منطقه بدهید و آنهایی که خراب است پولشان را بدهند. حداکثر تا یک سال آینده، سه سری نیروهای منطقه ۸ را آزاد کنید و منطقه ۸ را جدا کنید اما فعلاً محل را نگهدارید و منطقه ۸ برای خودش جای پیدا کند. در مورد پاسگاههای مرزی منطقه ۸، زمانیکه عملیات نیست دستگاه بدهید و بعد از عملیات آنرا پس بگیرد.

در مورد سایر مناطق، در همه لشکرها، گردان مهندسی تشکیل دهید و دستگاه به آنها بدهید. تعداد دستگاهها را ما مشخص می کنیم. منطقه، آمار دستگاههایی را که در اختیار دارد به مهندسی بدهد.

#### پایگاه شهید مدنی

بهداری - مشکل بهداری نیز مربوط به آمبولانس و مکان پارکینگ می باشد. در کل سپاه، ۱۴۰ آمبولانس موجود می باشد که مربوط به همه لشکرها می باشد (غرب ۱۵۰ آمبولانس خواسته است). پارکینگ برای جنگ ساخته شده و وسیع هم می باشد و اگر آنجا را بگیرند ما هیچ جایی نداریم.

جزیره قرار دارند که با دو سیستم جداگانه به اسکله‌ها مربوط می‌شوند.

در جنوب غربی جزیره، یک پالایشگاه جزئی جهت جداکردن گاز از نفت وجود دارد و در کنار آن نیز یک کارخانه پتروشیمی قرار دارد و در بین تانک‌ها و پالایشگاه، کارخانه‌های آب و برق جزیره واقع شده‌اند. جزیره حدود ۱۳۰۰ سکنه دارد. انفجارهایی که تاکنون در جزیره اتفاق افتاده، دو نوع می‌باشد: یکی توسط بمباران هواپیماها و دیگری توسط اصابت موشک.

جزیره، از هوا توسط سیستم‌های پدافندی موشک‌هاگ و توپهای اورلیکن و ۲۳ م.م حفاظت می‌شود.

**بمبارانهای هوایی:** بمبارانهای تاکنون به دو شیوه ارتفاع بالا و ارتفاع پایین انجام شده است. در مورد ارتفاع پایین، در آغاز جنگ حملاتی انجام شده است و آخرین حمله در تاریخ ۱۳۶۱/۴/۲۵ بوده که ۴ فروند هواپیمای دشمن با ارتفاع پایین، ابتدا به داخل ایران می‌روند و سپس از روی بندر گناوه از شمال جزیره نفوذ می‌کنند و سپس از روی اسکله رد می‌شوند و ضمن بمباران، منطقه را به توپ می‌بندند. به لطف خداوند، بمبها در خاک می‌افتد ولی دو گلوله توپ هواپیمایی به کنار لوله‌های رساننده نفت از جزیره به اسکله می‌خورد و آتش سوزی ایجاد می‌کند و اطاق استراحت کارگران و راه خودروه‌های اضطراری از بین می‌رود، اما با کمال تعجب به لوله‌ها و سیستم صدور نفت ضربه نمی‌خورد که بیشتر به یک معجزه شبیه است. گلوله دیگر در عرشه یک کشتی در حال بارگیری می‌خورد و فقط خرابی ایجاد می‌کند و به لطف خدا منجر به آتش سوزی نمی‌گردد.

### جلسه مشترک ستاد قرارگاه کربلا، ۱۳۶۱/۷/۵

فریضات: لشکر ۲۱ توسط قرارگاه فجر آزاد گردد. سپاه، قرارگاه جدیدی جهت ادغام با تیپ ۵۵ تشکیل دهد، یعنی ۵ قرارگاه باشد.

راه کار نخست: احاطه از یک طرف (از پاسگاه زید) و تک پشتیبانی در تمام جبهه؛

راه کار دوم: احاطه از دو طرف که تک اصلی در سمت نشوه می‌باشد؛ و

راه کار سوم: احاطه از دو طرف، که هر دو تک اصلی باشد و در هر دو محور، دو قرارگاه ادغامی لازم است که یک قرارگاه کمبود می‌آوریم لذا صرف نظر کرده‌ایم.

### راهکار اول

احاطه اصلی از شمال، بدین صورت که یک قرارگاه مستقل متشکل از یک لشکر سپاه و تیپ ۵۵ هوارد خط را می‌شکنند

و خط آبی را تصرف می‌کنند (خط آبی حدود دو کیلومتری شرق جاده طلائی نشوه تا خاکریز موازی شط العرب می‌باشد). قرارگاه دوم متشکل از لشکر ۲۱ و یک لشکر سپاه در جناح غربی جاده نشوه و سرپل عمل می‌کند و لشکر ۱۶ با یک لشکر سپاه، قرارگاه سوم را تشکیل می‌دهد و در جناح شرقی نشوه تا نهر کتیبان عمل می‌کند. عملیات در دو مرحله پیاپی صورت می‌گیرد و شب و روز فرقی نمی‌کند. در این حالت، قرارگاه قدس و قرارگاه فجر نیز در خط، به تک پشتیبانی اقدام خواهند کرد. مرحله سوم عملیات، انهدام نیروی دشمن در منطقه باقیمانده است. مرحله چهارم، پیشروی به سمت تنومه می‌باشد که توسط قرارگاه لشکر ۱۶ از کتیبان و قرارگاه فجر از شرق کانال ماهیگیری، این پیشروی به طور هماهنگ انجام می‌گردد.

### محاسن عملیات

- کنترل قرارگاه‌ها بیشتر ممکن است؛

- در امکانات مهندسی صرفه جویی می‌گردد؛

- خط پدافندی کمتری خواهیم داشت؛ و

- نیروی کمتری به کار خواهیم برد، ۳۰ الی ۴۰ گردان؛

### معایب:

- تلاش دشمن تجزیه نخواهد شد.

- اقداماتی که باید صورت گیرد:

- تعداد تانکها و نفربرهایی که می‌توان آماده کرد مشخص گردد (۱۰۰۰ نفربر، ۴۰۰ تانک)؛

- گردانهای زیادی به تیپها واگذار نگردند (سپاه)؛

- هدایت عملیات منحصرأدر اختیار سپاه نباشد؛

- گزارشهایی که می‌رسد کلاً روی نقشه وضعیت پیاده گردد تا همه اطلاع پیدا کنند و بتوانند تصمیم‌گیری کنند؛ و

- عکس‌هایی گرفته شود.

برادر رشید نظر سپاه را اعلام کرد و گفت: راه کار دو تلاش بود و بهتر است عملیات زید را در آینده نزدیک انجام دهیم، سپس عملیات نشوه انجام گیرد.

سرهنگ شیرازی: راجع به تک جبهه‌ای توضیحی بدهم که این تک عمقی نیست. ما خط خودمان را داریم، به خط اول دشمن حمله می‌کنیم اگر موفق شویم که شده‌ایم، اما اگر نشدیم مسئله‌ای نیست. راجع به عملیات زید من چند مسئله منفی به شرح زیر نوشته‌ام:

- یکی اینکه پل‌های کانال برای دشمن ارزش تدارک‌رسانی و یافزار کردن دارد. تدارک‌رسانی چندان مهم نیست و فرارش را نیز می‌توانیم با توپخانه کنترل کرده و زیر فشار قرار دهیم. - نگهداری منطقه مقابل زید، کار بسیار مشکلی است و پاتک



و فرار می کنند، اما نیروهای دمکرات بیشتر درگیر می شوند. از ۱۵ شهریور تا ۲۰ مهرماه ضدانقلاب، اعلام بسیج کرده و قاسملو پیام داده که مردم کردستان امنیت داخلی را از بین ببرند، اما هیچ اثری نداشته است.

مشخص است که مردم از ضدانقلاب پشتیبانی نمی کنند و امنیت می خواهند. فعلاً جاده ها، روزها امنیت دارد و شبها امنیت ندارد. حتی با هلی کوپتر از سقف پرواز بالا و با محور جاده ها رفت و آمد انجام می شود.

وضع استانداری و دیگر اداره ها، وضعیت مناسبی نیست و خط واحدی را دولت اجرا نکرده و نیروی انسانی مؤمن کم می باشد. بین استانداریهای آذربایجان غربی و کردستان اختلاف نظر و ناهماهنگی وجود دارد و هنوز دولت و سپاه برنامه درازمدت در این زمینه ندارند.

حدود ۱۴۰۰۰ نیروی پاسدار و بسیجی در آذربایجان غربی و کردستان داریم. و لشکر ۲۸ و لشکر ۶۴ نیز حضور دارند، اما صدا و سیما بسیار ضعیف عمل می کند.

نیروهای اداریس بارزانی با جمهوری اسلامی کار می کنند ولی سعی دارند خود را با کردهای عراق درگیر نکنند که بعداً اگر رژیم آینده عراق مطرح شد اینها سرشان بی کلاه نماند. نیروهای دمکرات با جلال طالبانی خوب هستند و منافقین هم به اینها کمک می کنند.

### عملیات مسلم بن عقیل

نیروهای شرکت کننده عبارت بودند از: تیپ ۲۷، ۱۴ گردان؛ تیپ عاشورا، ۱۰ گردان؛ تیپ امام رضا (ع) و جواد الائمه (ع) جمعاً ۸ گردان. برآورد اطلاعاتی از دشمن توسط رکن ۲ و اطلاعات عملیات اشتباه بود. هر شب ۳۰ تیم از نیروهای خودی به شناسایی می رفتند. شناساییها بسیار خوب بود، کیفیت نیروها نیز خوب بود. طرح عملیات هم مناسب بود و غرور و ضعف تدبیر دیده نمی شد و لطف خداوند نمودار بود. دشمن چندبار بمباران هوایی کرد که حدود ۶۰ نفر تلفات گرفت. عملیات تک جبهه ای بود، اما راه کار زیادی داشت.

### عملیات محرم

جلسه مشترک با ارتش ساعت ۲۱:۳۰، قرارگاه قائم، ۱۳۶۷/۱۱ سرهنگ قویدل؛ مسئله عملیات در ۲۹۳ به سمت نهر عنبر که سرپل چم سری، عملیات خواهد شد؛  
 (۱) گرفتن ارتفاعات و سرکوب شدن نیروهای خودی و تحمیل خط پدافندی به دشمن؛  
 (۲) قطع استفاده دشمن از چاههای نفت؛  
 (۳) تهدید شهرک طیب؛  
 (۴) دید و تیر دشمن روی محور موسیان قطع می گردد؛

و آتش توپخانه، تلفات به بار می آورد. مانند جزایه که باید نیرو بخوردش بدهیم و عملاً در مقابل زید، غافلگیری کلی از بین می رود. از سوی دیگر، به علت امکانات اطلاعاتی (عکس هوایی) دشمن، عملیتهای هوایی آن بسیار مؤثر می شود.

شناخت خصلت نیروها (اعم از سپاه و ارتش) دلیل بر تثبیت این خصلت ها نیست و فقط آگاهی صرف است و باید در صورت لزوم سعی در تغییر آنها داشته باشیم. مانند، آموزش عملیات در عمق و احداث خاکریز را تمرین کنیم.

### ادامه جلسه بعد از ظهر؛

برادر محسن با سرهنگ شیرازی صحبت کردند و بعد برادر محسن درباره تصمیم گرفته شده سخن گفت و محاسن عملکرد در منطقه زید را مطرح کرد، که طرح سپاه و ارتش یکی است اما فعلاً توافق شد که عملیات فکته انجام شود و سپس ده - پانزده روز بعد در منطقه زید عمل کنیم. البته، راجع به عملیات زید قرار شد برادران ارتش و سپاه فکر کنند و بررسی نمایند.

سپس، من درباره شناسایی منطقه جزایه و فکته صحبت کردم و بعد از آن بیرانوند مسئله عملیات ارتفاعات ۲۹۲ را مطرح کرد.

### صحبت برادر رشید در مورد کردستان، ۱۳۶۱/۷/۱۰

نیروهای ضدانقلاب در کردستان و آذربایجان غربی دو دسته هستند که یکی دمکرات و کومله و دیگری نیروهای جلال طالبانی که در اطراف شیلر هستند و نیروهای بارزانی که در اطراف زیوه بر علیه نیروهای جمهوری اسلامی عمل می کنند.

ضدانقلاب آنقدر ضعیف است که قرارگاه حمزه، که تنها عنصر عملیاتی آن برادر بروجردی و تیپ شهدا است، رعب بسیار زیادی در آنها ایجاد کرده است. کار قرارگاه حمزه در نهایت بستن مرز جمهوری اسلامی می باشد. خط مرز حدود ۴۰ کیلومتر از شیلر به سمت پیرانشهر در اختیار ضدانقلاب است و دیگری مسیر پیرانشهر به سردشت است که سی کیلومتر آن باز شده است. کار دیگری که باید انجام شود گسترده کردن تأمین شهرها می باشد. هر چند، اکنون شهرها در اختیار نیروهای خودی است، اما اطراف شهرها در اختیار ضدانقلاب است. ضدانقلاب در درگیریها و اسیر شدن نیروهای خودی، قساوت به خرج می دهد که این کار اثر منفی در نیروهای خودی باشد.

همین کارهای مقدماتی اثر بسیار خوبی داشته است و قاسملو به خارج رفته و مصاحبه کرده است. نیروهای کومله حدود ۵۰۰ الی ۶۰۰ نفر و نیروهای دمکرات نیز ۲۰۰۰ الی ۲۵۰۰ نفر هستند نیروهای کومله به صورت قطعی درگیر نمی شوند

۵) انهدام نیروهای دشمن؛

۶) گرم نگه داشتن جنگ؛

۷) تهدید دشمن در ادامه جنوبی حمرین که بعداً می تواند بررسی کرد.

مشکل آن درگیر شدن یک تیپ از لشکر ۱۶ می باشد.

شاهان: در شرق دویرج از چم سری تا نهر عنبر مشکل پدافندی وجود خواهد داشت و در نهر عنبر باید خاکریز زده شود. هم زمان، یک یگان از تیپ ۸۴ در غرب میمه و ادامه حمرین را اشغال می کند. تیپ ۸۴ با یک تیپ از لشکر ۱۶ تعویض می گردد.

برآورد نیرو برای عملیات، سه تیپ سپاه از قرارگاه فتح و تیپ ۸۴ می باشد که یک تیپ با ۱۴ الی ۵ گردان، در سرپلها عمل می کند و در شرق رودخانه، خاکریز می زند و در منطقه اصلی دو تیپ از سپاه با تیپ ۸۴ عمل خواهد کرد.

مفید: تیپ چند گردان دارد؟

شاهان: با توجه به اینکه قویترین لشکر است و بیشترین گردان را داراست زیاد مسئله ای نیست.

حبیب الهی سؤال کرد: آیا دید دشمن روی جاده قطع خواهد شد؟

جواب دادند که: ۸۰ درصد دید دشمن قطع می شود اما از عین خوش تا باغ طالقانی دید خواهد داشت.

برادر رشید توضیحاتی را درباره توافقهایی که انجام شده بود ارائه کرد و طرح سپاه را که گسترده تر بود مطرح کرد سپس سرهنگ شیرازی به جمع بندی پرداخت.

سرهنگ شیرازی: الحمدلله به دلیل اینکه برادران با هم زیاد کار کرده اند دیدگاه های کلی یکی است اختلاف نظر در وسعت عملیات و در سازمان رزم است و در ادامه عملیات، توافق وجود دارد.

دستوراتی که از شورای عالی دفاع گرفته ایم، این است که به دشمن در خطوط پدافندی فشار بیاوریم و کاری کنیم که آبروی سیاسی برای عراق ایجاد نشود. دیگر اینکه، آمادگی نیروهای خودمان حفظ شود و تنور جنگ داغ بماند. تا بتوانیم خود را برای عملیات اصلی آماده کنیم. با برادر محسن نیز مذاکره خواهیم کرد که به چه صورتی عمل شود.

### تغییر فرماندهی قرارگاه کربلا، ۱۳۶۷/۲۳

حدود دو سه روز از عملیات مشترک محرم گذشته بود (۱۳۶۷/۱۳) که برادر محسن از جبهه به تهران برگشت. وی، طبق عادت همیشگی قبل از اینکه برگردد صلاح دیده بود در بعضی از مسئولیتها تغییراتی را انجام دهد و با برادران رحیم [صفوی]، [غلام علی] رشید و بزرگزاده نیز مشورت کرده بود که حسن [باقری] به تهران بیاید و برادر مجید بقایی

مسئولیت را به عهده بگیرد. با مجید که صحبت کردم چندان قبول نمی کرد و با توجه به حساسیتی که من از مجید سراغ داشتم، صبر کردم تا رفته رفته ضرورت مسئله برایش کاملاً ملموس گردد و خودش قبول کند، تا اینکه مرحله سوم عملیات نیز پایان یافت و قرار شد در مورد بحث ادامه عملیات به تهران بروم و مشورت صورت گیرد و نتیجه مشخص بشود. با مجید که صحبت کردم در آغاز نمی پذیرفت. اما، صحبتی هم نمی توانست بکند چرا که برادر محسن گفته بود و خودش هم ایمان داشت که اینکار باید انجام شود، اما هنوز معاونش مشخص نشده بود و مسئول طرح و برنامه نیز نداشت. قرار بود که برادر احمد غلامپور معاون قرارگاه و برادر صفاری مسئول طرح و برنامه باشد که هیچکدام آزاد نبودند.

از سوی دیگر کارهای قرارگاه به دو علت از هم پاشیدگی داشت: یکی نداشتن محل ثابت، که مقر قبلی در حدود ایستگاه حسینیه جاده خرمشهر بود و در اهواز هم در پی آماده کردن محلی بودند (آلفا-آلفا) و در عین خوش نیز مقر مستقلی نداشتیم و داخل در سپاه سوم بودیم. دلیل دوم نیز، انجام دو مرحله مهم از یک عملیات سنگین و پیشروی ۷۰ درصد بیش از اهداف تعیین شده بود.

با این اوضاع و احوال، من سه روز به تهران رفتم (و خانواده ام رانیز بردم) و پس از مشورتها باز گشتم. چند جلسه مشترک مجدداً با برادر مجید در قرارگاه قدس، کربلا، قائم، ستاد، نیز داشتیم و بالاخره در ۱۳۶۷/۸/۲۱ در جلسه قرارگاه های تابعه کربلا، مسئولیت برادر مجید را اعلام کردم و تقریباً از آن به بعد کار تصمیم گیرندگی نکردم....